

شورای انقلاب از مردم چیزی  
اینها نمیکنند، دولت موقت  
انقلاب بمردم دروغ نمیگوید  
برق نظام انقلابی با رژیم  
میلیتاریستی شاه در اینست  
یا شما چنین هستید؟

شنبه

۱۱

شماره ۱۳۵۸

۷ شعبان ۱۳۴۹

۲ ژوئیه ۱۹۷۹

# پیغام امروز

شماره ۹۶ دوره جدید سال بیستم تک شماره ۱۵ ریال

برای اعتراض به بازداشت و شکنجه سعادت دیروز راهپیمایی شد

## در راهپیمایی یک نفر مضروب و چند تن بازداشت شدند

مادر رضایی‌ها: از خون ۶۰ هزار شهید شرم نمیکنید  
که بار دیگر اوین را پذیرای مجاهدین کرده‌اید

بیش از ۲۰ هزار نفر از دانشجویان، دانش‌آموزان و هواداران سازمان مجاهدین خلق، عصر دیروز برای اعتراض به دستگیری و شکنجه محمد رضا سعادت دست به راهپیمایی زدند. این راهپیمایی از مقابل دانشگاه به مقصد دادگستری - محل محصل خانوادگی شهدای مجاهدین خلق - انجام گرفت.

جمعیت در صفوفی منظم با شعارهای مجاهد سرچشمه راهپیمایی - ارتجاع سرچشمه تباهی و انقلاب

پیروز است - ارتجاع نابود است به حرکت خود ادامه می‌داد که در میدان فردوسی گرفتار مهاجمان حرفه‌ای شد.

مهاجمان با موتور به میان جمعیت می‌زدند. اما راهپیماییان در حالی که می‌گفتند اینها همان چماق بدستان سابقند، الله اکبر گویان، مهاجمان را طرد نمودند و حرکت خود را ادامه دادند.

مهاجمان که پراکنده شده بودند، بدنبال صفوف جمعیت می‌آمدند و شعار «اعدام باید گرسد» را تکرار می‌کردند. اما راهپیماییان کلام آیت‌الله طالقانی که گفته است: سعادت جاسوس نیست، راسر هر کوی و برزنی فریادی کردند.

راهپیماییان با شعار های: سعادت، سعادت آزاد باید گردد - توطئه امریکا انشاید گردد و هرزم رضایی آزاد باید گردد و توطئه ناپوداست - شکنجه محکوم است، به جلو دادگستری رسیدند.

بر سر در دادگستری پلاکاردی با این شعار دیده می‌شد: خدشه دار کردن

بقیه در صفحه ۲

## وزیر ارشاد ملی: از اخطار دادستان به مطبوعات اطلاعی ندارم

نظر ما این بود که فعلا قانون مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ متوقف بماند

ناصر میناجی وزیر ارشاد ملی دیروز در گفت‌وگوئی با خبرگزاری پارس اظهار داشت که از اخطار دادستان تهران به مطبوعات اطلاعی نداشته و در این مورد وزارت ارشاد ملی هیچ‌گونه تماسی با دادستان تهران نگرفته است، زیرا مرجع رسیدگی به شکایات مردم علیه مطبوعات، تنها دستگاه قضائی است.

وی اضافه کرد نظر ما این بقیه در صفحه آخر

## این بهتان به مجاهدان خلق نمی‌چسبد

گزارش مجاهدین خلق، به ملت ایران، سرانجام پرده از روی يك توطئه ضدانقلابی برداشت. و حالا دیگر میتوان با آگاهی درباره تله‌یی که ارتجاع سرسپرده، در راه محمد رضا سعادت، و ازین طریق در برابر حیثیت و اعتبار انقلابی مجاهدین خلق، تسمیه کرده بود، سخن گفت.

از آغاز ما می‌دانستیم، سعادت، نمی‌تواند در ارتباط با لشکری نازویی که داده بودند، امیر شده باشد. پرچم جاسوسی شوروی را، ضد اطلاعات آریامیری، بسیار آسان به یارزان ضد رژیم در ارتش می‌زد، و گروهی از شریفترین فرزندان این آب و خاک را، با لکه سیاه جاسوسی به جوخه اقدام میرد، که اکین این جنایت در نوع خود از اصل کمتر افراد بیگناه کتر و کوچکتر نبود. اگر بطور طبیعی قهری را تیرباران می‌کردند، شهید بود و خاندانش از شهادت از احصای غرور می‌کردند. ولی هنگامی که بهت جاسوسی بر این شهید می‌بستند، دیگر، کسی نمیتوانست نام وی را به زبان بیاورد.

تخصیص بار، اگر بخاطر داشته باشید، ما در ستون پیش رویه - روی پرده، به بازداشت يك مجاهد خلق اشاره کردیم، و یادآوری کردیم که احتمال می‌رود توطئه بازداشت وی، انتقام سیاه و عوامل آن، از گروه مجاهدان خلق، در ریشه کنی بیگانه‌های جاسوسی خودکار امریکا باشد. حالا، حقایق به روشنی حکایت میکنند که پیش‌بینی ما، چندان هم از واقع دور نبوده است. و «شکارچیان» پشت سفارت امریکا، دام گسترانی هستند، که علاوه بر سعادت، حتی دوبار شریف کرد را در بزگراه کرج زدوده‌اند، و چهار روز یا بیشتر در همان شکنجه‌گاه، آزار داده‌اند، و سرانجام، آنها را به «لویزان» باجی دیگر در آن حدود فرستاده‌اند.

بقیه در صفحه ماقبل آخر

## حق بادادستان تهران است

دادستان تهران، به دنبال دستور خودداری از توقیف و جلب متهمان، در مصاحبه با خبرنگار اطلاعات گفت است: «من رسماً اعلام می‌کنم که هم‌اکنون تهران فاقد امنیت قضائی و انتظامی است.»

آنچه طی چند روز اخیر دادستان تهران عنوان کرده، موضوعی است که مدت‌هاست مردم تهران می‌دانند و از آن رنج می‌برند. و نه تنها مردم تهران، که چنین وضعی در راه‌ها، و در شهرها هم برقرار است.

هنوز، حرارت انقلاب، در ایران، یکسر فروکش نگشته است، و وای اگر در چنین شرایطی، آن حرارت فروکش شود، زیرا، در احوال عادی، هیچ معلوم نیست که مردم، در سراسر کشور از ناامنی قضائی و انتظامی چه خواهد آمد.

هم‌اکنون، حضور دسته‌های عامل سرقت مسلحانه، در تهران و بین راه‌ها، و در شهرها، به تدریج آشکار می‌شود. این حضورها، به معنای وجود جنب و

بقیه در صفحه ماقبل آخر

## دوبارز کرد را چهار روز شکنجه کردند

يك شعبة ساواک دوباره شروع بکار کرده است

جاسوس هستی و با فحش و ناسزا ما را چشم بسته به محلی که بعداً معلوم شد کمیته پشت سفارت امریکا است، بردند. در آنجا ۴ روز و سه شب ما را چشم‌بند بسته به رادیاتور شوفاژ بستند و پس از بازجویی زیر شکنجه گرفتند و انواع شکنجه‌های جسمی و روانی را در مورد ما انجام دادند. ما تا اعتراض می‌کردیم، از یکی از بازجویان که «حاجی» ستایش می‌کردند

بقیه در صفحه آخر

## نکته و نگاه:

روزنامه اطلاعات، در يك شرح مستند جزئیات «حمله انقلابی» محمد محمد منتظری را طی دو روز به فرودگاه مهرآباد و اشغال مسلحانه فرودگاه، و ایجاد اختلال در پرواز هواپیماها، و سر انجام تصرف يك هواپیمای سوری و اقدام برای گروگان گرفتن سرنشینان هواپیما، و نگاه داشتن هواپیما، تا به مدت ۳ ساعت و نیم، و پرواز غیر مجاز با آن، به تفصیل نوشته است. و اظهارات مقامات مختلف رسمی، از جمله سخنگوی سپاه پاسداران.

و روزنامه «اسلام» و صداقت روزنامه نویسی همین خبر را زیر عنوان «جلوگیری از مسافرت حجت‌الاسلام محمد منتظری به لندن در فرودگاه مهرآباد» با چنان وسواسی نوشته است که گویی يك مجاهد مظلوم

بقیه در صفحه ماقبل آخر

## ژنرال «هويزر» کی از تهران رفت؟

يك پایگاه جدید آموزش عناصر  
مخرب، بالای تهران پارس دایر شده

مطرود، در ایران روی داده است. از تسلیم میلیتاریسم حامی نظام سرنگون شده، تا تدارک بازگشت کارشناسان و مستشاران امریکایی برای به حرکت درآوردن فانتوم‌های ایران، و يك سلسله برنامه‌های دیگر در زمینه‌های نظامی. شگفت اینجاست که پس از بازگشت معاون فرماندهی ناتو، از ایران - بنا بر روایت شفاهی - در ادامه اظهارات سرگرفته شده مقامات امریکایی، فرمانده کل ناتو، از آمادگی

بقیه در صفحه ۲

## پشت پرده، روی پرده

يك خبر شفاهی حکایت دارد که ژنرال «هويزر» تا ده روز پیش بطور یقین در ایران بوده است، و احتمال می‌رود ده روز پیش تهران را ترک کرده باشد. معاون ژنرال «هیک» فرمانده کل ناتو، در واقع کارگردان جریان‌هایی است که از زمان خروج شاه

## دانشجویان هنرهای زیبا متحصن شدند

دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا به عنوان اعتراض به عدم رسیدگی به خواست‌های متحصنین کانون پرورش فکری، از دیروز در محل ساختمان مرکزی دانشکده دست به تحصن زدند. دانشجویان در بیانیه شماره يك خود نوشته اند:

ما دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا در روز ۶ فروردین طی نامه سرگشاده‌ای خطاب به جناب نخست‌وزیر خواستار رسیدگی به وضع متحصنین کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شدیم و اعلام نمودیم اگر تا آخر وقت روز ۱۰ فروردین ۵۸۴۰۰ به وضع متحصنین رسیدگی نشود در محل ساختمان

بقیه در صفحه ۲

## نامه سرگشاده به دادستان تهران: ایمنی کار روزنامه‌ها را هم به عهده بگیرد

آقای دادستان در اجرای دستور شما، که معطوف به لایحه قانونی مصوب سال ۱۳۳۴ کمیسیون مشترک مجلسین است، ناشر و مدیر مسئول روزنامه پیغام امروز به اطلاع می‌رساند، که امتیاز این روزنامه از ۱۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ به موجب قراردادی با صاحب امتیاز، در ازای سالیانه کار در روزنامه، برای مدت ده سال در اختیار اینجانب قرار گرفته است. و از اسفندماه تا امروز، بطور منظم روزنامه انتشار یافته.

اما، از نیمه دوم فروردین‌ماه، به علت مزاحمت حاد دسته‌های فشار، که لازم نیست درباره آنها زیاد قلم‌فرسایی شود، نخست کارکنان روزنامه، از محل اداره، متواری شدند و همسایگان، که بیست و چهار ساعت در اضطراب خطر ایجاد حریق در ساختمان بودند، از ما خواستند، به محل اداره نرویم. و سپس چون تهدیدها ادامه داشت، نام

بقیه در صفحه ۲

هلال خضیب تازه  
هلال خضیب کهنه  
تجزیه میانه کانون تجربه تمام  
رقبای نیمه دوم قرن نوزده  
در صفحه ۳

### در راهپیمایی

بقیه از صفحه ۱

حیثیت سازمان مجاهدین خلق ایران، توطئه‌ای است که از سوی «سیا» طرح ریزی و توسط عوامل ارتجاع پیاده میشود. در آغاز علی‌رغم مزاحمت‌های مهاجمان که سعی در ایجاد درگیری داشتند، مادررضائی‌های شهید پیام خانواده‌های مجاهدین خلق را خواند. سپس همسر سعادتی متنی را که متحصنین خطاب به روزنامه انقلاب اسلامی نوشته بودند، قرائت کرد. پیام سازمان جاما، سومین پیامی بود که در این مراسم خوانده شد.

#### پیام جاما

در پیام جاما آمده است: افراد و گروه‌های غیرمسئولی هستند که بطور خود کامه به‌یمن سلاحی که به چنگ آورده‌اند و حمایت غیرمسئول و مشکوکی که از آنان می‌شود دست بهر گونه اقدامی میزنند تا جایی که خود را مجاز میدانند آزادی افراد مسلمان مجاهد و مبارز را سلب نموده و آسانرا توقیف و شکنجه و زندانی نمایند. ۲- توطئه و دسیسه‌هایی در شرف تکوین است که بحیثیت مسلمانان و مبارزین برحق و راستین انقلاب را لکه دار نمایند. ۳- مسئولین امور قضائی و دولت زائیده انقلاب و همچنین دادستانی انقلاب بمسئولیت خود عمل ننموده، و در خواستها و تلگرافهای سازمان مجاهدین خلق را بلا جواب گذاشته‌اند.

ما از وزیر دادگستری، دادستان کل کشور و دادستان انقلاب و دیگران مسئولیتی که بشعوب ما اجرائی توقیف غیرقانونی محمد رضا سعادتی مربوط هستند می‌خواهیم که هر چه زودتر باین امر رسیدگی کنند و حقایقی را که از ابتدای ماجرا کتمان شده بر ملا سازند و مهمتر از همه اجازه دهند که سعادتی، اسیر به بند کشیده شده که اینک با اعتصاب غذای طولانی جانش بخطر افتاده آزاد شده و آزادانه از خود دفاع نماید.

ما خواستار آنیم دولت بمسئولیت خود برای حفظ آزادی فردی و اجتماعی که در جمهوری اسلامی وعده آن داده شده عمل نماید و اجازه ندهد از جانب گروهها و افراد غیر مشول اقداماتی صورت گیرد که یادآور دوران سلطه ساواک و دژخیمان رژیم در هم فرو کوفته پهلوی باشد. ما خواهان آنیم که هر چه زودتر حقایق بر ملا گردد تا سیه روی شود هر که در او غش باشد.

سپس قطعنامه راهپیمایی خوانده شد. جمعیت در حالی که شعار می‌داد: سعادتی، آزاد باید گردد، محوطه دادگستری را ترک کرد. اما مهاجمان حرفهای همچنان در صدد ایجاد درگیری بودند.

● پیامهای دانشجویان مسلمان مدرسه عالی هواپیمایی و گروهی از کارگران کتابفروشیهای تهران مبنی بر اعتراض به دستگیری و شکنجه سعادتی، خوانده شد. دانشجویان و کارگران خواستار آزادی فوری مجاهد زندانی شده‌اند. راهپیمایان در حالی که شعار میدادند، هنگامی که به مقابل پارک شهر رسیدند، یک اتومبیل پاندار سر رسید. در این اتومبیل یک روحانی بنام گل روح حضور داشت که به پاسداران و مهاجمان دستور داد که شعار «مرگ بر سعادتی» بدهند. یکی از مهاجمان به دختری بنام مؤثره مهدویان که در حال

عکس گرفتن بود، حمله ور شد و او را شدیداً مضروب کرد. مضروب به بیمارستان هزار تخته‌خوابی منتقل گردید. در ضمن پاسداران ۵-۴ نفر از راهپیمایان را دستگیر کردند.

در تماسی که ساعت ۲۲:۴۵ شب با بیمارستان هزار تخته‌خوابی گرفتیم، یکی از مسئولان بیمارستان گفت: مصدوم را ساعت ۱۵:۲۰ دقیقه در حالی که بی‌هوش بود به بخش اورژانس آوردند. بعد از مراقبت‌های فوری پزشکی حال عمومی او رضایت‌بخش است. وی افزود: گلوی مصدوم بسختی فشار داده شده تا حدی که اینک پس از بهبودی آمدن، قادر به صحبت کردن نیست.

#### پیام مادر رضایی

چلو در دادگستری پیام خانواده‌های شهیدا و زندانیان سابق مجاهدین خلق، توسط مادر رضائی‌های شهیدخوانده شد. متن پیام چنین است: عزیزان ما! دلم پر درد است و قلبم مجروح. به خود می‌گویم آیا این است نتیجه آن شهادت‌ها، شکنجه‌ها، زندان‌ها؟ آیا فرزندان من و برادران شما شهید شدند تا بار دیگر جیره‌خواران امپریالیسم آمریکا به لباسی دیگر فرزندانمان را به مسلخ برند؟ آیا حنیف‌ها، مهدی‌ها و ذوالانوارها جان باختند تا باردیگر هر فریاد حق طلبانه‌ای را بازورس‌نیزه و زندان و با مارک زندانها در گلو خفه سازند؟ زهی وقاحت و بیشرمی! آیا از خون شصت هزار شهید شرم نمی‌کنید که باردیگی سلول‌های اوین را پذیرای مجاهدین جان‌برکفی چون سعادتی‌ها نموده‌اید؟ آیا آنهمه دزدی، چپاول و آنهمه خون کافی نبود که باز باید خلق قهرمان و همیشه غارت شده ما خون بهترین جوانان خود را ایشار کنند؟

بگذار این بار نیز ما پاکبختگان باشیم و این بار نیز اولین زندانی سیاسی، اولین شکنجه شده و اولین شهید از آن صادق‌ترین و اصیل‌ترین نیروی ضد-امپریالیستی باشد. این وعده‌ای است که خدا به مومنین داده است و ما این سعادت را با روئی باز پذیرا ایم.

عزیزان من، خدا وعده داده است که پایه‌های ظلم را با دست‌های پرتوان و قلب‌های پرکینه «ناس» درهم می‌کوبد و خدا بهترین یاور مظلومان است.

پس همه باهم، هم‌گام و هم نفس در برابر هر چه ظلم، ستم و بیداد است قد علم می‌کنیم و تقدس خون‌های ریخته شده را پاسداریم. و امروز که مجاهد قهرمان سید محمد رضا سعادتی بعد از بیست و هشت روز اعتصاب غذای اعتراضی رو به شهادت است عهد خونین خود را با شهیدانمان و با خدا و خلق تجدید می‌کنیم و با همه توان و نیرو میکوشیم تا هر چه سریعتر مجاهد اسیر سعادتی از بند اسارت توطئه‌گران آزاد شود و بار دیگری به آغوش خلق بازگردد.

به همه توطئه‌گران و دسیسه‌چینان اعلام می‌کنیم که صبر انقلابی نیز حدی دارد و بترسید از روزی که دل‌های لبریز از کینه‌مان تحمل و بردباری را از دست بدهد. و خروش خلق

### قطعنامه راهپیمایی

حقایق همیشه در سخت‌ترین شرایط با مخوف-ترین سازمان‌های پلیسی هیچگاه در پس پرده نمی‌ماند و خود را عیان می‌سازد. پس از اینکه برادرمان توسط مرتجعین و عوامل امپریالیسم بازداشت گردید، از طرف آنها اعلام شد که او شکنجه نشده، ولی حالا ما شاهد این موضوع هستیم که می‌گویند او را گرفته‌اند و فقط تنبیه کرده‌اند. مثل اینکه شکنجه به غیر از تنبیه کردن است. در اینجا به یاد سخنان سرگرد یحیایی مصدوم، در دادگاههای انقلاب می‌افتیم که از تلویزیون پخش شد. او اصرار داشت که: ما زندانیان سیاسی را در زندان قصر شکنجه نکرده‌ایم و فقط آنها را کسی تنبیه می‌کردیم. و او بخاطر همین تنبیه‌کردن‌ها، اعدام شده خوشبختانه این دروغ‌گویان و مرتجعان مثل اینکه حرف قبلی خود را ترموش کرده و گفتند: محمدرضا سعادتی شکنجه نشده. ما این موضوع را به قضاوت خلق زحمتکش مان می‌گذاریم. چون آنها صحیح قضاوت می‌کنند و آزادی را دوست دارند و در راه آن مبارزه می‌کنند. در این راه با تمام مرتجعان و نوکران ویادای امپریالیسم، یا هر رنگ و اسمی به مبارزه برمی‌خیزند، و مبارزات آنها همیشه به پیروزی می‌رسد. ما به منظور احترام‌گزاردن به آزادی و دمکراسی و دفاع از حقوق مردم مستضعف، حتی اجازه اینرا نمی‌دهیم که حقوق یک فرد پایمال شود و به منظور پشتیبانی از خانواده مادر شهیدا و زندانیان سیاسی سابق مجاهدین خلق، دست به یک حرکت آرام زده و خواستار انجام فوری موارد زیر می‌باشیم:

- ۱- آزاد ساختن هر چه سریع‌تر، برادر مجاهدمان سعادتی که ۲۸ روز است بمنوان اعتراض به این عمل غیرقانونی و ضدانسانی در حال اعتصاب غذا بسر می‌برد.
- ۲- دستگیری و محاکمه عوامل مقصر در این حادثه تاسف‌بار که آزادی را پایمال کرده، و در حکومت مردمی فعلی انتظار این‌گونه اعمال، بعینه به نظر می‌رسد.
- ۳- اعلام جرم علیه تهمت‌زنان، به یک سازمان اصیل و مترقی و اسلامی کشور ما و تعقیب آنان هستیم.

### از واپسین کلام استقامت

به خاطر مجاهد در بند محمدرضا سعادتی  
این واپسین ستاره فلق در آستانه اعدام  
جانش همه چو ناله سلسلی  
کران تا کران کهکشان «کار»  
این کاروان انقلاط در بستر «شدن»...  
این واپسین ستاره فلق در آستانه اعدام فریاد میکند:  
- در بالهای جانم جهاد جنگلی است که در اسارت سوداگران نشسته است تا سپیداران طوفانخوار را به چشم کشورم شکسته است  
هلا..... «شیاری و دانش»!  
تابیر قیام بانقبض قهرمانت عجین نشود رهایی یقین نشود  
غلامحسین فرشادی ۵۸/۴/۱۰

### پشت پرده

تفرقه بین کارگران - بهمن ریختن اجتماعات و تظاهرات دست‌زدن به انواع خرابکاری‌هاست. به کارآموزان، از هنگام حضور در اردو، ماه سه هزار تومان حقوق می‌دهند. و مربی و آموزگار این جوانان، افراد کارآمد کارکشته «امل» و «مجاهدین ملی انقلاب اسلامی» هستند. روی بازوبند مربیان تعلیم دهندگان نوشته شده است «امل» شب جمعه فیلم از تمرین‌ها و عملیات اردو، بی‌آنکه توضیح یا تار داشته باشد، در تلویزیون نشان داده شد. این «چاپا» های مشخص برای آنکه بدانیم اعلامیه مجاهدین خلق خطاب به ایران، آنجا که می‌گوید: «همچنین ما شاهد رخ عناصر مرتبط با ساواک بین برخی از حساستر نهادهای کشور نظیر پاسداران انقلاب اسلامی بودیم» چ عمقی دارد، باید شناسا - تمرین اعتصاب‌شکنی و ایجاد

### نامه سرگشاده به دادستان تهران

چاپخانه رام از روزنامه، حذف کردیم. سوابق امر، نه تنها در روزنامه پیغام امروز، که سایر روزنامه‌ها، و نیز در مطبوعات اروپا، از جمله روزنامه لوموند پاریس آمده است، و شك نیست که آقای دادستان از آن خبر دارند. حالا، با اخطار شما، که روزنامه‌های عصر انقلاب و در شرایط و احوال متکی به آزادی بیان عقیده، و غیر، ناگزیرند، مقررات لایحه مصوب کمیسیون مشترک مجلسین را که قانون اساسی منشأ آن، با انقلاب ضد رژیم بی‌اعتبار شده است، اجرا کنند، تکلیف ما چیست؟ ما، درین فاصله، محلی برای شورای نویسندگان روزنامه، و برای امور اداری آن پیدا نکرده‌ایم. و پس دستور شما که داسراها، از قبول شکایت خودداری کنند مشکل ما بزرگتر شده است. در شرایط و احوالی که سنگها بسته است، و سنگی هم مانده، ناگزیر بسته خواهیم شد، تکلیف ما چیست؟ آیا با وجود دستور اکید منع تظاهرات در دادگستری که آنها را در حال حاضر تنها محل امن مصون از دست‌های فشار نشان می‌دهد، می‌توانیم تقاضا کنیم اتاقی را داسرا، در اختیار روزنامه ما بگذارند، و یا نشانی ما داسرای تهران باشد؟ می‌گویند تعداد زیادی از اتاقها در کاخ دادگستری خالی شده است. و این توقع زیادی نیست که روزنامه نویسنده این حرفه‌اش را در داسرا، و کاخ دادگستری بچوبه پایین‌وصف، حرمت مسجد پامتولی است، و حرمت دادگستری و داسرا با روزنامه نویسنده، و ما در اجرای دستور شما، امروز، برای تهیه محل اداره، در روزنامه آگهی کرده‌ایم و نام چاپخانه را نیز به اعتبار حمایت دادستان محترم تهران از آزادی‌کار روزنامه نویسنده، و آزادی انتشار اعلام می‌کنیم. خواهشمندیم، در اجرای دستور خودتان، مجازاتم قانونی ورود غیرمجاز به محل کار، و تجاوز به اداره روزنامه و محل چاپخانه را نیز، که با اراده داسرای تهران، معتد و مجری خواهد بود، اعلام کنید.

رضا موزبان گرفت. در مجمع عمومی دانش هنرهای زیبا در روز ۱۰ فروردین با اکثریت آرای دانشجو تصمیم گرفته شد که از روز یکشنبه تا چهارشنبه به عنوان اعتراض به اعمال خودسرانه و ضدفردی ضد هنری سرپرست کانون پرو فکری کودکان و نوجوانان متصد می‌شویم. ● سازمان وحدت کمول نیز اعلام کرد که مبارزه برای آزادی سعادتی را بخشی از مبارزه دانسته و در این جهت از اقدامی کوتاهی نخواهد کرد.

### فعالیت استخرهای امجدیه

باتلاش خواستاران ورزش‌شنا، استخرهای امجدیه فعالیت خود را آغاز کردند. شروع فعالیت این ورزش که به همت گروهی صورت گرفت موجب رضایت علاقمندان این ورزش را فراهم ساخته است.

پاسخ به يك سوال سياسي

هلال خضيب تازه ياهلال خضيب كهنه خاورميانه كانون تجربه تمام طرفه‌ای نيمه دوم قرن نوزده

خانم يا آقای «ط - دائمی» نوشته‌اند: در خسرهای خمره ديروز ۲ تيرماه ۱۳۵۸ آمده بود که سرانجام پس از دو روز مذاکره رهبران عراق و سوریه، معاهده وحدت عراق و سوریه به امضاء رسيد و... و امروز من می‌پرسم: آیا امضاء این معاهده وحدت، و امضاء طرح هلالخضيب (خوابی که امريکا برای خاور-ميهانه ديده است) را که در روزنامه اطلاعات پنجشنبه ۱۶ فروردين ماه ۱۳۵۸ شماره ۱۵۸۲۲ صفحه ۵ نظرها و اندیشه ها چاپ شده بود، به دنبال ندارد؟ که به ۶ دليل ثابت کرده بود امريکا درصدد محاصره خاورميانه عربی است و لاجرم ايران نیز به محاصره خواهد افتاد. لطفا نظری بیفکنيد و اظهار نظری بکنيد:

اما نظر ما: هلال خضيب يا خطیب، طرحی بود که امپراتوری انگلیس، پس از چنگ اول جهانی، قصد داشت در مستملکات رها شده عثمانی، که زیر قدرت انگلیس در-آمده بود، پیاده کند، این طرح از قلمرو تحت قیمومت انگلیس فراتر می‌رفت، و قسمتهایی از قلمرو قیمومت‌فرانسه را نیز باید می‌پوشاند. نامزد انگلیس‌ها، برای اجرای طرح شریف مکه بود، که از عراق و اردن باید کار را آغاز می‌کرد. ولی، قدرت قبیله‌ای متکی به فرقه وهابی، که شریف را از مکه رانده بود و اساس سلطنت سعودی را پی ریخته بود و دنبال فضای بیشتر می‌گشت و نیز مبارزه‌های ضد اجنبی قبایل عراقی، با انگلیسی‌ها، راه تحقق تشکیل حکومت واحد زیر شعارخلال خضيب (سیز) را بست. و این طرح، جزو هزاران طرح و برنامه معلق سیاسی، در سینه کتابها ضبط شد. باید توجه داشت که «هلال خضيب» از پهلوی اتحاد اسلام پیش از چنگ اول جهانی، و با دست‌کاریهایی از جانب وزارتخارجیه انگلیس بیرون کشیده شده بود.

بعد از چنگ دوم جهانی، برای سرکوب جهت‌گیریهایی انقلابی، در قلمرو ستم خورده و استعمار زده جنوب غربی آسيا و سراسر شمال اروپا، موجی دیگر از جانب غرب، در منطقه تشویق شد. «ناسیونالیسم عربی» هم نظیر «صهیونیسم» مولود سالهای پیش از چنگ اول جهانی بود. بنابر این «ناسیونالیسم» را، برای دامن‌زدن به جنبش مقاومت، در برابر امپراتوری مستولی عثمانی، اروپایی‌ها افشاندند بودند. و واضح نخستین «ناسیونالیسم عربی» شرق‌شناسان اروپایی شمار می‌آیند که می‌کوشیدند عنصر عربی را از عنصر فلسفی منطقه، جدا سازند و در برابر عثمانی‌ها قرار دهند. از این دوران به بعد، ماجرای ستم‌زدگی ملت‌های عرب‌زبان و مسلمان، و استعداد انفجار این منطقه مورد توجه واقع شد.

با این وصف، پس از چنگ دوم جهانی، و همزمان با گرفتن مبارزه ضد استعماری، و پی‌ریزی جنبش استقلال طلبی در سرزمین‌های مستملکه و مستعمره و قلمرو تحت تسلط مستقیم، و قلمرو تحت قیمومت، ناسیونالیسم عربی، نخست به عنوان يك عامل ضدانقلابی، و بعدها به صورت عامل انقلابی طبقه متوسط، که روی خط مرز و برزخ پیش می‌تازد، رونق پیدا کرد. و موج آن، سراسر کشورهای عرب زبان منطقه را گرفت و از جنوب به شمال زورآورد شد.

تحت تاثیر جنگهای تجاوزه کارانه اسرائیل، مصر و سوریه و لبنان، که در عین حال كانون عمده فرهنگی زبان عرب بشمار می‌آید، حوزه عمده تبلیغ و ترویج «پان عربیسم» یا «ناسیونالیسم عربی» گردید. از سوی اشرافیت وابسته به حمایت و قیمومت انگلیس، که در شرایط و احوال پس از چنگ دوم ایجادیک قدرت حکومتی وسیع را حق خود می‌دانست، در عراق، دنبال کردن هلالخضيب بود. و ژنرال نوری سعید و فرزند-انگازن شریف مکه، که در عراق و اردن سلطنت داشتند، بیست و دو آرزوی تشکیل چنین هلالی بودند که به دو تعبیر می‌تواند بود. هم جغرافیایی، و هم مذهبی.

ولی امپریالیسم حاکم پس از چنگ دوم جهانی، سرشار از تجربه، دست در کار آزمایش هماهنگ طرحهای گوناگون شد. که هر يك سرپوش دیگری باشد. و نخست، با استفاده از شرایط و احوال جنایات نازیسم، و فضای مساعدت‌تبلغاتی دوران، صهیونیسم را در قالب يك برج نظامی-سیاسی در صورت «کاروان رجعت» شتاب‌آمیز در فلسطین خواب-آورده مستقر ساخت. این استقرار، که به منزله پیوند زدن فلسطین به خطه خاورمیانه در حال حاضر بود، همانند فروریختن يك سقف، رویاهای ملل عرب لبنان را آشفته کرد، و شکست‌های پیاپی حکومت‌های عربی و اشرفی وابسته، از چند صد هزار یهودی مهاجر فلسطینی و انتقال صدها هزار نفری آوارگان فلسطینی به سرزمین-های عرب‌زبان، و جدان اجتماعی را در این کشورها جریحه‌دار ساخت. سقوط نظام‌های سرسپرده الزامی و اجتناب‌ناپذیر شده بود، و در اینجا بود که تدارک نیم‌قرنی استعمارگران غربی، نزد طبقه متوسط، که می‌کوشید از آشنائی با عمق

مسائل خود را دور نگاهدارد، و روی خط مرزی، و در برزخ میان انقلاب قاطع ضد امپریالیستی، و بازگذاشتن راه‌سازش با امپریالیسم، قرار گیرد، ریشه پیدا کرد. اولین و پر-ضربه‌ترین حرکت، علیه ملک فاروق، در قاهره، پس از شکست تلخ از اسرائیل، وارد آمد و ارتش، به عنوان يك پایگاه ایده‌ئولوژیک امن، «ناسیونالیسم عربی» را پذیرفت. هرچند بعدها، دست «سیاه» نیز در جریان وقایع، نشان داده شد، اما، اعتقاد ارتش جریحه‌دار شده مصر به «ایده-ئو-لوژی فاتح انقلاب» راه ناصر را تا مرحله رهبری «ناسیو-نالیسم عربی» در سراسر منطقه هموار ساخت، و موقع ممتاز او، روی فرقه‌های «بعث» که معتقدات افراطی راست درزمینه ناسیونالیسم عربی داشتند، اثر بخشید، و به تجدید شرایط و ارزیابی‌های ایده‌ئولوژیک درین فرقه‌ها انجامید.

دوران رهبری جمال عبدالناصر، دوران باروری ناسیو-نالیسم عربی بود، و درعین حال دوران تجربه‌های بسیار روشن، که این ناسیونالیسم، ریشه در سطح و قسایع دارد. خروشچف، هنگام دیداری با ناصر پس از هجوم سبعانه آخر اسرائیل به کشورهای عرب‌زبان، که در واقع امر هجوم حساب شده امپریالیسم امريکا، برای نابودی دستاوردهای انقلاب ناسیونالیستی ناصر بود. به این چهره صادق رهبری ناسیو-نالیسم عربی، یادآوری کرد، چیزی به نام ناسیونالیسم عربی، وجود حقیقی ندارد و آنچه واقعی است، وجود زحمت-کشان قلمرو عربی است. تجربه‌هایی که «ناصر» در دوران رهبری خویش بدست آورد، و همه ناکام بود به ترتیب عبارت است از تلاش تا مرحله تشکیل نخستین جمهوری اتحادعربی، مرکب از «مصر، سوریه، یمن انقلابی» که انقلابیهای ناسیو-نالیست لبنان نیز بسیار کوشیدند که به آن به پیوندند، ولی ماجرای حضور ناوگان امريکا در بیروت، و روی کار آمدن ژنرال شهاب، دست دیو را که راه‌را بسته بود به آنها نشان داد. یمن را، امپریالیسم امريکا، با مداخله مالی وقبیله‌یی سعودی که تازه به نفت رسیده بود، مزار آرزوهای ناصر کرد. و در سوریه نیز، عناصر دیگر داخلی، که از عنصر فرهنگی قوی‌تر بود، ریشه اتحاد را خشک‌اند. در همین زمان سقوط‌خاندان هاشمی در بغداد، يك داعیه‌دار دیگر برای رهبری ناسیونالیسم عربی پدید آورده بود. عبدالکریم قاسم، و مبارزه شدید ایده‌ئولوژیک میان قاهره و بغداد، که مولود توقع رهبری قاهره برای پیروی انقلاب بود، به این انقلاب سالم مبتنی برمنافع طبقه متوسط، و صادق در نبرد ضد امپریالیستی، لطمه زد، و کیست که نداند، منافع امپریالیستی غرب در نفت عراق، عامل عمده تخریب رژیم قاسم شد، و این عامل را، اشتباه‌های آشکارای میدان ندادن به طبقه عمیق ضدامپریالیست، و به اقلیت‌های ستم‌زده بهترین یاور انقلاب تقویت کرد.

«هلال خضيب» با استقرار حکومت جمهوری بر بغداد، در قالب قدیم خودد فزونی شد، ولی، تشکیل يك فدراتیو در قلمروی که، طرح هلال خضيب، از سوی يك انتخاب تاریخی ارتباط‌ممل منطقه برای آن تهیه شده بود، همچنان جزو آرزوهای کشور های منطقه گردید.

شکست مصر در اولین تاسیس فدراسیون، مانع تلاش های بعدی نشد. ولی دیدیم که فدراسیون مصر و سودان، و مصر ولیبی و سودان، و باز مصر و سوریه، بطور کلی تاسیس روی کاغذ بود، و سامانی نیافت. زیرا اگر تنها پیوند فرهنگی می‌توانست ایجاد وحدت حکومت بکند، بسیاری از حکومت‌های دراز مدت تاریخ، تا امروز از هم نپاشیده بود، و در حال حاضر کشورهای فرانسوی زبان، انگلیسی زبان، اسپانیولی زبان همه دارای يك حکومت فدراتیو بودند.

ولی می‌بینیم که هنوز ناسیونالیسم عربی، برای حفظ قلمرو فرهنگ عربی، و برای مقابله های موضعی درمقابل هجوم طرح‌ها و سیاست‌های امپریالیستی زورآور، گاه‌بگاه، در قالب تهیه وحدت‌های سیاسی - نظامی ظاهر می‌شود. در حال حاضر، فرقه‌های بعضی مسلط بر سوریه، و عراق برای مقابله باخطر تازه‌یی که بصورت گزاف‌تری آنها را و ناسیونالیسم عربی فعال درعمل را، تهدید می‌کند، به هم نزدیک شده‌اند، ولی خمیرمایه وحدت، بصورت يك فدراتیو در اقدام آنها موجود نیست. وحدت میان دو فرقه بعضی صاحب قدرت حکومت است که در قالب دفاعی برای مقابله باخطر معین طراحی شده است، و در برابر عوامل ضد ازدرون، تاب مقاومت ندارد.

اما، آن خطر مهاجم، که از درون منطقه سر درآورده، باز ریشه در گذشته دارد، و در دوران احتضار امپراتوری عثمانی ترک‌ها کوشیدند، از آن، سلاحی برای تیرد بسازند، که کوشش آنها با ناکامی رویارو گردید. ملک الشعراء بهار در تاریخ احزاب سیاسی نشانی از دو داعی ترک می‌دهد، که در دوران فترت، به تهران آمده بودند، و با محافل آزادیخواه در ارتباط بودند و برای «اتحاد اسلام» سازمانی و تربیتی نظیر سازمان فراماسونری ترتیب داده بودند، و نخست در

تهران تعدادی از مردان سرشناس دعوت آنها را قبول کردند، ولی بعد فاصله گرفتند، و میرزا کوچکخان چنگلی ازین شمار بود، و با آلمانیه و عثمانیه، ارتباط داشت. در منابع روسی گزارش وقایع جنگل نیز اشاره‌یی هست که سلاح میرزا را آلمانیه تامین می‌کردند. و برای محققى که درصدد کشف منطقی شکاف میرزا و جناح انقلابی عدالت باشد، این اشاره‌ها زمینه‌یی است. بعد از چنگ دوم جهانی بخصوص، اتحاد اسلام، دو مقوله جدا پیدا کرد. یکی، حرکت از جانب يك جناح راست افراطی، که در «اخوان‌المسلمین» مصر شکل گرفته بودند، و شاخه‌هایی در پارهای کشورهای عربی پیدا کردند. یا درسایر کشورها از آنها تقلید شد. دیگری، حرکتی از جانب دولتهای محافظه‌کار مسلمان، که خاصه، محور فعالیت آنها حکومت‌هایی نظیر سعودی بودند، که نمی‌توانست با جنبش «اتحاد عربی» صادقانه کنار بیاید. این اتحاد، یا کنفدرانس وحدت اسلامی، با کنفدرانسهای روحانیان بی‌خطر کشورهای عضو، در پیوند بود، و بیشتر نقش تعدیل کننده داشت. تا ناگهان عصیان عمومی بر رژیم دست‌نشانده پهلوی، در ایران، نقطه يك اتفاق جدید در منطقه شد.

اکنون حرکتی در منطقه پدید آمده است که از نظر ارتباط طبقاتی مورد تایید طبقه متوسط سنتی و سرمایه‌داری است، زیرا با شدت برای نفی مبارزه طبقاتی، تلاش می‌کند، و حتی منکرکلی و اساسی وجود طبقات است. اگر فراموش نکرده باشید، در رژیم گذشته هم سازمان برنامہ با وضع لغت و حذف کلمه کارفرما، دست درکار چنین کوششی بود - و از نظر خصلت و معتقدات فرقه‌یی، شدید و پرخشونت و آشتی‌ناپذیر است و استعداد کم نظیر دارد که بر هر معتقدات و تعصبات، بطور دائم در منطقه حادثه بیافریند. و از جمله بطور مطلق ضد چپ است، و با حالت تعرضی که دارد، استقرارش در مرزهای شوروی، يك فرصت ممتاز برای امريکا و غرب در ایجاد مسائل مداوم برای آسیای مرکزی است. و از جهت آنکه در کشش‌های مذهبی، بیشتر فرقه‌گرا است تا اهل تفاهم در قالب کلی اسلامی، در خاور نزدیک نیز عامل تعادلی در وقایع بشمار می‌آید، و درعین حال، اکنون، فرصت مناسبی است، که همچون يك پیشروی حریق‌مانند، نقطه‌های ضعف موجود غرب و امريکا را در منطقه، تصرف کند.

جهت حرکت این عامل جدید، که هنوز منطقه درست اترا تشخیص نداده، از غرب به عراق و سوریه است، و از شمال شرقی به افغانستان، و انقلاب ایران، موضوعی جدا ازین عامل است که خود را یکسر و با برآوردهای قبلی غرب، بر آن مسلط ساخته است. لبنان تجربه‌گاه و میدانی برای این عامل بشمار می‌رود، و اگر محاسبه‌های امپریالیسم درست از کار درآید، چنگ شمال عراق، که تا سوریه نیز قابل توسعه است، راه‌گشایی است که به تحقق نظر امريکا در لبنان و از آنجا در سوریه بینجامد. و خصلت نژاد پرستانه بودن نظام بعضی، در بغداد - همچنین در سوریه - راه سقوط این رژیم را، چون میوه رسیده به دامن گروهی تازه، هموار کرده است.

باید بخاطر داشت، که سوریه - لبنان - عراق و اردن، در گذشته بارها برای ایجاد يك وحدت کوشیده‌اند، ولی این فرصت، بخاطر مواضع محدود شده آنها هرگز بدست نیامده است، درحالی‌که امروز، لبنان در کار يك استحاله است، که اگر وضع چنین پیش رود، به مرحله اجتناب‌ناپذیر می‌رسد. و اردن، باید در شرایط جدید، دستخوش دگرگونی شود، و سوریه، از درون لبنان و از جانب نفوذ امپریالیستی غرب در قسمتی از صفوف کردها، تهدید می‌شود، و بغداد هم اکنون در کام يك چنگ هست.

حالا تصور کنید که جای پیمان «دمشق - بغداد» چه حرکت دفاعی دیگری، هنگام احساس شدید خطر از جانب دو فرقه بعضی دشمن، ممکن بود از آنها سر بزنند. و این حرکت دفاعی، اگر شرایط تهاجم، برای عامل جدید فراهم بشود، يك حرکت اساسی نیست. مگر آنکه عامل جدید را، تضاد درون قلمرو خود، و ناتوانی امپریالیسم از استقرار جدی آن، دستخوش استحاله‌یی کند، و از بیرون نیز «سبزی» بیش از حد این «هلال» ذوق منطقه را کدر سازد.

ما، گزارش مورد اشاره مندرج در ۱۶ فروردین ۱۳۵۸ روزنامه اطلاعات را ندیده‌ایم. و دسترسی به آن، موقع جواب گفتن به سوال خانم یا آقای «ط. دائمی» مقدور نبود. ولی حرکت وقایع را چنانکه دیده‌ایم و طی ماه‌های اخیر نیز به آن چند بار اشاره کرده‌ایم، اینگونه گمان می‌بریم. جای هیچ بحث نیست که بعضی‌ها، دارای آرمان‌های تجاوز و دست‌اندازی هستند، ولی چنان درخود فرورفته‌اند، که تعرض از جانب آنها تصورپذیر نیست. و نیز واقعیت امور در منطقه، و جهان طوری است که حتی برای ادغام سوریه و عراق، در قالب نظام‌های کنونی آنها جایی نمی‌ماند، و این اتحاد تکرار تجربه‌های مصر و سوریه است.

از طرفی، عامل جدیدیست که با سه علت، جسارت تجاوز و تهاجم را در خود دارد:  
 ۱- تازه‌بودن حرکت، و باور نکردن امکان شکست و نداشتن تجربه درباره توانایی‌ها.  
 ۲- ناآشنا بودن برای منطقه.  
 ۳- ضعف حریفان موضوع حمله. و پراکندگی‌های موجود در منطقه.  
 و علت چهارم، که حمایت پنهانی امپریالیسم است، برای دست‌یافتن به هدف‌های معین، صورت حربه تظاهر ضد امپریالیستی در اختیار این عامل است.

# مقالات

## بازتاب نمونه مشخصی از واپس گرایی آشناشویم

در صفحه دوم شماره ۵۸ روزه روزنامه آیندگان می‌خوانیم که آقای دکتر باهنر اظهار نموده است: «و بدیهی است که مجلس شورای ملی نیز بمرور زمان مطابق با خواست‌ها و نیازهای جامعه می‌تواند تغییراتی در قانون اساسی تصویب شده بدهد». این سخن از کسی است که بنا بر توصیف روزنامه، «یکی از بنیان گذاران حزب جمهوری اسلامی است» و محل سخنرانی در «دانشگاه علوم فنون ارتش» بوده است. و سازمانی که به نام «حزب جمهوری اسلامی» معرفی شده تنها سازمانی است که از امتیاز شرکت مستقیم در به اصطلاح «مجلس خبرگان» برخوردار شده است: «بزودی حزب جمهوری اسلامی نامزدهای خود برای شرکت در این مجلس را معرفی خواهد کرد، البته در معرفی آنها صلاحیت و آگاهی به مسائل اسلامی مطرح است و امکان دارد که نامزدها عضو حزب هم نباشند» (از گفتگوی دکتر بهشتی با خبرنگار اطلاعات ۵۸ روزه). پس، اظهارات آقای دکتر باهنر نه از دهان یک فرد ساده بلکه از زبان فردی مسئول بیرون آمده و با در نظر داشتن محل سخنرانی، تصور ساده گرایی (وولتکاریزاسیون) هم نمی‌رود. و نیز، نه به عنوان عقیده شخصی، بلکه به صورت بیانی از روند حاکم بر فضای «مجلس خبرگان» بازگو شده است.

برداشت دکتر باهنر اگر از روح حاکم بر «مجلس خبرگان» ملهم باشد، باید سخت بیمناک بود و قاطعانه گفت که ما در جهت یک واپس گرایی بزرگ قرار داریم. چنین بدعتی حتی از آنچه در صدر مشروطه، در زیر فشار استبداد محمدعلی شاه و بر اثر عجله مشروطه خواهان، بر قانون اساسی جای گرفت، خطرناکتر است. اصل ۲۷ متمم قانون اساسی قدیم، با این که فقط حق «شرح و تفسیر» قوانین عادی را «از وظایف مختصه مجلس شورای ملی» دانسته، بارها مورد انتقاد قرار گرفته است زیرا، بر اساس اصل تفکیک قوا، این قوه قضائی است که باید با توجه به شرایط زمانی و جو حاکم بر مجلس تصویب کننده این یا آن قانون عادی، روح قانون را مورد داوری قرار دهد. بنابراین، صاحب نظران معتقد به دموکراسی - حتی به شیوه بورژوازی آن - بهتر آن دانسته‌اند که مجلس شورای ملی را حتی از حق تفسیر قانون عادی هم محروم نمایند.

آقای دکتر باهنر، که معمولا و منطقا باید از ساخت «جامعه‌ی بدون طبقه‌ی توحیدی» الهام بگیرد، در مورد وظایف مجلس شورای ملی از لیبرالهایی که بیان کننده اصول مورد علاقه‌ی نظام سرمایه داری هستند، فرسنگ ها عقب تر است. یک لیبرال خارج از تفکر ملهم از «جامعه‌ی بدون طبقه توحیدی» می گوید: «اگر بپذیریم که مجلس عادی حق شرح و تفسیر قانون اساسی را دارد، در حقیقت پذیرفته‌ایم که قانون اساسی جنبه «اساسی» بودن خود را از دست بدهد، زیرا هر جا مجلس، اصلی از اصول قانون اساسی را مزاحم دید با یک تغییر دستوری، مزاحمت آنرا کوتاه میکند و در این صورت فلسفه‌ی وجودی قانون مافوق قوانین عادی، از میان خواهد رفت.» (از دکتر مصطفی رحیمی، «قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی» چاپ سوم صفحه ۱۶۲). هنگامی که رضاخان سردار سپه مأمور رفت و رول سلطنت قاجار شده جرات نکرد تغییر نام و نشان سلطنت را، جز از طریق مجلس موسسان قانونی کند و به همین جهت نمایش «مجلس موسسان» را در سال ۱۳۰۴ روی صحنه آورد. فقط در اوج دیکتاتوری بود که رضا پهلوی به «نمایندگان» مجلس فرمان داد که از حدود صلاحیت خود خارج شده و عبارت «مادر ایرانی‌الاصل»، (از اصل سی و هفتم متمم قانون اساسی) را تفسیر کنند و در یک نشست و برخاست یک «مصری‌الاصل» را به یک «ایرانی‌الاصل» مبدل نمایند (۱۴ آبان ۱۳۱۷). و باز هم باید به محمد رضا اشاره کنیم که در اوج دیکتاتوری متکی به ساواک - سیا، در سال ۱۳۴۶، برای تغییر اصول سه گانه‌ی ۳۸ و ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی متوسل به «مجلس موسسان» شد.

در جایی که «حق» تفسیر قانون اساسی می‌تواند پدیده‌ای نظیر ۱۴ آبان ۱۳۱۷ بوجود آورد، معلوم نیست آقای دکتر باهنر بر اساس کدام پیش تاریخ و برپایه‌ی چه منطقی این حق را به مجلس شورای ملی می‌دهد که قانون اساسی رابه عنوان خمیرمایه‌ی تمایلات حاکم بر دوران خود مبدل سازد و هر چه را که بخواهد و یا نخواهد خمیر سازد؟

این برعهده‌ی حقوقدانان است که با اتکاء به تجارب تاریخی، و بایانی که قسم آن برای همه مقدور باشد، و با شیوه‌ای آفاق کننده، مخاطرات موجود در چنین برداشت غیر منطقی را موشکافی کند. ع. ا. محجوبیان

## باتبلیغات هدایت شده، برای سرکوب انقلاب تو طئه می کنند

اعتراض آنان جلوگیری مینمایند؟ چه کسانی معلم آزاد را از کلاسهای درس بیرون می‌کنند و در کمیته‌ها از آنان بازجویی می‌کنند؟ چه کسانی به کتابفروشیها حمله میکنند و کتابسوزان قرون وسطایی به راه می‌اندازند؟ چه کسانی از اینان و سردمداران و چهره‌های پشت پرده اما شناخته شده اینها حمایت می‌کنند؟ سکوت دولت و تحریف رسانه‌های گروهی به انحصار درآمده را به چه چیزی می‌توان تعبیر کرد؟ چه کسانی به یکی از جلدان عصر پهلوی یعنی نادری پور معروف به تهرانی امکان می‌دهند از تلویزیون اسلامی ایران و قیخانه و پاکینه ضد خلقی خود اهانت بارترین اتهامات را به نیروهای انقلابی و شهدای راستین و به خون خفته خلق وارد نمایند تلاش کند که شور میهن پرستی و جان بازی آنان را به خلق لوٹ کند؟ راستی چرا هویداها، نصیری‌ها، رحیمی‌ها و صدها جلاو غارتگر خلقی تحت ستم ما را علنا محاکمه نمی‌کنند؟ مگر نه اینست که امکان دادن به تهرانی، این جلاو

یعنی زحمتکش خلق که بار تولید و سازندگی را همیشه بر دوش داشته‌اند و عمری دراستند و ستم زیسته‌اند، می‌اندیشند که انقلاب چه چیزهایی را تغییر داده است؟ آیا آنها به گردهمایی‌های سیاسی مسالمت آمیز یورش می‌آورند، کلمات رکیک درخورشان خودو اربابان و سردمداران خود نثار نیروهای مترقی میکنند و کودکان و زنان و مردان را مورد آزار و ضرب شتم قرار میدهند، مدافعان اسلام هستند؟ آیا از طریق این مدافعان است که عدل اسلامی می‌خواهد برقرار شود؟ آیا اینان همان نوجوه‌های «شعبان بی‌مخ‌ها» نیستند که زمانی به نام «رستاخیز ۲۸ مرداد» و زمانی بنام «جما قدران» و زمانی به نام «کویان کرمان» عمل می‌کردند و امروز نیز به نام و برای ظاهر دفاع از اسلام عرصه را بر نیروهای انقلابی و دموکرات جامعه تنگ می‌کنند؟ مگر نه اینست که مهاجمین با تحریک فرصت طلبان و انحصارگران و یا بهم‌زدن اجتماعات دموکراتیک که حتی در متن بنده قانون اساسی پیشنهادی، اصلی غیر قابل تعرض شناخته شده می‌خواهند احساسات مذهبی عناصر ناآگاه را در خدمت استقرار نظامی به کار گیرند که نهایتا به سود سرمایه داری وابسته و امپریالیسم باشد؟ چه کسانی حماد شیانی‌ها و سعادت‌ها و کارگران مبارز نفت را به زندان می‌افکنند و آنها را شکنجه می‌کنند؟ چه کسانی به تحصن کارگران مبارز و شریف میهن ما حمله میکنند و از احقاق حقوق مسلم آنان و حتی حق

درین صفحه مقالات و نامه‌هایی از خوانندگان و دوستان پیغام امروز منتشر می‌شود که در همین داشتن افق مشترک با روزنامه - دفاع از آزادی و استقلال عقیده سیاسی - چه بسا برداشتهای آنها از مسائل با مشی ما یکی نباشد و ما به حرمت آزادی عقیده، این نظرها را منتشر می‌کنیم.

## وقت آن نیست که در صداقت دولت شك کنیم؟

را به کمک یکدیگر در این منطقه خفه نمایند، پایبندند؟ چرا وزیر امور خارجه ترکیه در دست در همان زمان که بمب افکن‌های عراقی خاک کردستان ایران را بمباران می کردند به ایران آمد و مذاکرات محرمانه‌ای که هنوز روشن نشده است با دولت ایران داشت؟ آیا در این ملاقاتها همچنانکه صدا و سیما‌ی جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند مسئله آب رودخانه! مطرح شده است؟ هلی کوپترهای عراقی در فرودگاه تبریز چه می کردند؟ چرا دولت قرارداد الجزایر را ائتشاء نمی کند؟ آیا ملت ایران حق ندارد از این مسائل آگاه شود؟ اخیرا همچنانکه در مطبوعات و رادیو و تلویزیون نیز عنوان شد تیمسار فرید رئیس ستاد ارتش به آذربایجان غربی رفته و از آن منطقه دیدار کرده‌اند. طبق شهادت شاهدان عینی رئیس ستاد ارتش به همراه فرماندهان نظامی در اطاق جنگ یادگان ارومیه مذاکره نموده‌اند. جالب توجه اینکه عده‌ای پالیاس‌گردی و مسلح به مسلسل‌های کلاشینکف در داخل یادگان پرسه می‌زده‌اند. حال با توجه به اینکه مکررا اخیر از تقویت قیاده موقت میرسد و یادگانهایی در اختیار این چماق سرکوب خلق کرد گذاشته شده است و عملا حتی در تهران

شاید کمتر خبر داشته باشیم که هواپیماهای دولت ایران همچنانکه در رادیو و تلویزیون اشاره‌ای مختصر و ناقص به آن شد، پرواز هائی بر فراز خاک کردستان عراق داشته‌اند. اما آنچه در خبرها نیامده است و به آن اشاره‌ای نشده این بود که فراز منطقه کردستان عراق مقدار زیادی اعلامیه پروری شهرهای این منطقه از جمله شهر «پنجوین» که بارها توسط نیروی هوائی دولت بعثی بمباران شده است پخش کرده‌اند. در این اعلامیه ها به مردم آن منطقه اخطار شده که اگر دولت عراق دست از بمباران خاک ایران برندارد ما نیز به تلافی، شما را بمباران خواهیم کرد!!! شما از این عمل چه می فهمید؟ دولت عراق کردستان ایران را بمباران می کند و دولت ایران نیز به تلافی آن می خواهد کردستان عراق را بمباران کند.

منظور دولت بعث عراق از این کار معلوم است. ولی آیا دولت انقلابی ایران نیز همان منظور را دارد؟ آیا این عمل نشان نمی‌دهد که هر دو دولت ایران و عراق هنوز به قرارداد ضد بشری ۱۹۷۵ الجزایر - سعدآباد که در آن سه دولت ترکیه، عراق و ایران متعهد شدند که هیچکدام امتیازی به کرد های داخل محدوده خاک خود ندهند و هر تادی آزادیخواهانه

رفیقان چه موسمی ست این؟ که هر لحظه اش خنجر به دست باد تیز تر و عفونت زخم بر تن آفتاب بیشتر است چه موسمی ست؟ که کلاغ‌های مسافر با کرکسان کمون کرده به تباتی رسیده‌اند و با اینهمه هنوز در کناره‌ی میدان درخت خسته‌ی پیر هر دم از زمین و زمان صبر می‌طلبند.

این گریه‌های پیاپی ابر بی‌هنگام و زمزمه‌های نهفته‌ی باغ می‌رساند که هر چه هست پوشش پشمین صبر فصلش گذشته است.

همایون نتاج طباطبائی

توضیح در سه نوبت گمی وراثت خانم اشرف محمودی شناسنامه شادروان فراتش دبیر ۷۳ ملایر صحیح است که اشتباه ۱۳۴۸ - شاه‌شهر مراتب بدین اصلاح میگردد

# پروژه فولاد بندرعباس را لغو نکنید، منتقل کنید

طرح مجتمع فولاد بندرعباس بهیچ وجه اقتصادی نیست و بطور کلی پروژه‌های فولاد کشور نیاز به یک بازنگری و دگرگونی بنیادی دارد.

پایان نرسانده است. طرف این قرار داد شرکت پیمانی ایتالیایی است. این قرار داد را که بهیچ وجه از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست در حدود ۵ سال پیش رژیم شاه مزدور، صرفاً برای کمک به اقتصاد بحران زده ایتالیا تصویب کرد. و حتی می‌دانید که ایتالیا در رشته صنایع فولاد تا چه اندازه از کشورهای مانند ژاپن عقب‌تر است. بهمین دلیل این کارخانه بفرس اینکه شروع بکار هم بکند از نظر وسایل تولیدی و تکنولوژی، با تمام هزینه‌های گزافی که برداشته، عقب مانده‌تر از بسیاری مجتمع‌های فولاد در کشورهای حتی جهان سوم است.

هفت سال گذشته بود که ژاپن قرار داد تأسیس یک کارخانه فولادگازی - مشابه بندرعباس - را به بهایی بسیار ناگزیر از قرارداد ایران با جمهوری خلق چین امضا کرد. تازه شاه خیال داشت سنگ آهن مورد نیاز این مجتمع را از معدن «کودرموگ» هندوستان وارد کند، در جایی که اینهمه معدن سنگ آهن در ایران وجود دارد. اینها را جز از یک رژیم سرسپرد و تا مغز استخوان وابسته به امپریالیسم نیتران انتظار داشت. و مثلاً باز هم از این نمونه کارها اینکه شاه خیال داشت در اداره این مجتمع از یک سیستم کامپیوتری بسیار پیچیده و فوق‌العاده گرانبه استفاده کند که این مجتمع در نهایت قادر نبود بیش از یک درصد از ظرفیت این کامپیوتر را بکارگیرد! و تازه یکی از مهم‌ترین مسائل سالهای آینده ایران، بیکاری خواهد بود.

دیگر از مخارج کاملاً زائده که این مجتمع روی دست ما می‌گذشت یکی مسئله ایجاد اسکله بود و دیگری مسئله تبدیل آب شور دریا به آب شیرین که می‌بایست همهی احتیاجات این مجتمع عظیم را برآورد. در حالیکه اگر این پروژه مثلاً در اصفهان و در جوار ذوب آهن ساخته می‌شد بسیاری از این هزینه‌های صرفه‌جویی که می‌شد، بهیچ در بسیاری از موارد هم می‌توانست از امکانات آن مجتمع استفاده کند و برای همین هم هست که گویا دولت برای انتقال این پروژه، بیش از هر جای دیگر، اصفهان را در نظر دارد.

دیگر از مخارج کاملاً زائده که این مجتمع روی دست ما می‌گذشت یکی مسئله ایجاد اسکله بود و دیگری مسئله تبدیل آب شور دریا به آب شیرین که می‌بایست همهی احتیاجات این مجتمع عظیم را برآورد. در حالیکه اگر این پروژه مثلاً در اصفهان و در جوار ذوب آهن ساخته می‌شد بسیاری از این هزینه‌های صرفه‌جویی که می‌شد، بهیچ در بسیاری از موارد هم می‌توانست از امکانات آن مجتمع استفاده کند و برای همین هم هست که گویا دولت برای انتقال این پروژه، بیش از هر جای دیگر، اصفهان را در نظر دارد.

آنطور که ولی‌الله جعفری، مدیرعامل شرکت ملی صنایع فولاد ایران اظهار داشته، مسئله انحلال شرکت فولاد مطرح نیست و در مورد پروژه بندرعباس هم احتمالاً رابیشتر بر انتقال گذاشته تا لغو قرارداد. ولی اگر بخواهیم ادامه دهنده سیاستهای مزدور منشا شاه نباشیم باید به نیازهای واقعی جامعه بنگریم و بر مبنای طرح‌ریزی اقتصادی بنشینیم. شاه خائن می‌گفت که تولید فولاد ایران تا چند سال آینده به ۱۰ میلیون تن میرسد، در حالیکه مثل روز روشن است که اگر هم این امر تحقق می‌یافت نمیتوانست جوابگوی نیازهای مملکت باشد، چرا که در زمینه صنایع فولاد آنچه مهم است تولید ورقهای فولاد نیست بلکه نورد آنها، یعنی تبدیل آن برای مصارف صنعتی است و الا باید صادر کننده ورق فولاد باشیم که خیال عبثی است.

و دقیقاً آنچه برای دولت فعلی هم مهم است و نمایانگر سنگ‌گیری ملی و یا ضد ملی‌اش می‌باشد اینست که به کدامیک از وجوه این مسایل اهمیت بیشتری بدهد، آیا با کمی تغییرات می‌خواهد دنباله‌رو سیاست رژیم گذشته باشد؟ اگر نمی‌خواهد پس باید حرکت اقتصادی جامعه را بر مبنای نیازهای ملی مست دهد، یعنی مثلاً اگر امروزه آمار می‌گوید که مجتمع گازی فولاد اهواز سالانه قادر به تولید ۵ میلیون تن ورق فولاد است و کارخانه‌های اصفهان و خراسان جمعاً ۲ میلیون تن، نیاز ملت چیز دیگری می‌گوید و آف تجدید نظر اساسی در این قراردادهای امپریالیستی است.

مثلاً پروژه اهواز را مثالی آوریم. میدانیم برای تهیه مستقیم فولاد از سنگ آهن سدروش وجود دارد که هنوز در دنیا روشن نشده که کدامیک از این سه روش اقتصادی‌تر است. اما رژیم وابسته پیشین به امپریالیسم اجازه داده بود که در یک مجتمع هرسه روش را با صرف هزینه‌هایی با ارقام نجومی بکارگیرد تا بالاخره معلوم شود کدامیک می‌تواند اقتصادی‌تر باشد تا امپریالیسم برنامه‌هایش را برای غارت خلقها، منتظر تهیه کند. ملاحظه می‌کنید که ادامه این قراردادها و تن دادن به آنها دقیقاً مساویست با پا دادن به سلطه و نفوذ امپریالیسم.

و از این نمونه در قراردادهای امپریالیستی ایران زیاد است. که میتوان پروژه‌های نیروگاههای اتمی را ذکر کرد که گویا خوشبختانه دولت آنها را لغو خواهد کرد. مسئله نیروگاههای اتمی بدان شکل که قرار بود در ایران پیاده شود در سطح جهانی هنوز از مرحله آزمایش بیرون نیامده است ولی امپریالیسم آزمایش‌هایش را بخرج خلق ستمدیده ایران انجام می‌داد و اگر سستی کنیم انجام خواهد داد. نباید اجازه دهیم که اقتصاد ایران بشابه زائده نیازهای امپریالیسم حرکت کند و در این رابطه بر انتقال و نه لغو پروژه فولاد بندرعباس همراه با بازنگری همه‌جانبه و بنیادی در مجموعه طرحها و قراردادهای اقتصادی بخصوص در رشته‌های حیاتی چون فولاد، تاکید می‌کنیم.

## حمله بکتابفروشی در قصر شیرین

سهشنبه هفته گذشته حدود ساعت ۲ بعد از ظهر گروهی مهاجم با سنک و آجر به کتابفروشی دهقان در قصر شیرین حمله کرده و ضمن مفروب کردن چند نفر از خریداران و افرادی که در کتابفروشی بودند، کلیه شیشه‌های کتابفروشی را شکستند و مقدار زیادی از کتابها را بیرون ریخته و پاره کردند. این افراد سپس به در کتابفروشی آمده و به عریضه کشی پرداختند و حریف می‌طلبیدند. در این حال کتابفروشی به کمیته شهر مراجعه کرده و یک مامور یا خود آورد که او هم اهمیتی نداده و بعد از اندک مدتی از محل کتابفروشی دور می‌شود. بار دیگر کتابفروشی به کمیته مراجعه می‌کند و چند مامور را با خود به محل آورد مامورین کمیته در مقابل این عمل فقط گفتند: «مردمند. جلوی مردم را می‌شود گرفت؟» این بار اول نیست که به این کتابفروشی حمله می‌شود و هر بار هم مامورین کمیته بجز اظهار تاسف هیچ اقدامی نکرده‌اند.

## معرفی کتاب

درباره ادبیات گئورگی پلخانوف ترجمه: منوچهر هزارخانی انتشارات: رواق ۱۹۰ صفحه - ۱۵۰ ریال

پلخانوف، از مارکسیستهای مشهور روسیه بود که از «نارودنیکها» برید و با کتاب نقش شخصیت در تاریخ تئوری قبرمانان را به گورسپرد و راهرا برای پیشروی تئوری انقلابی مارکسیسم گشود. هر چند که در ادامه مبارزه، پلخانوف از لنین برید و به ورطه اپورتونیسم غلطید، اما لنین خواندن آثار او را بارها توصیه کرده بود. کتاب درباره ادبیات پلخانوف، با بکارگیری از شیوه دیالکتیکی مارکسیسم، مسائل ادبی را با مهارتی آندیشه‌گر و خلاقانه، بازمینی و کنکاش کرده است. که برای هر علاقه‌مند، راهگشا و پوینده راهست. درین کتاب می‌خوانیم:

«درباره هنر، نقدی بر زیبایی شناسی چریشفسکی، نقادیده-آلیستی و نقد ماتریالیستی، عقاید ادبی بلینسکی، وظائف نقد ماتریالیستی، دو کلام با خوانندگان کارگر، هنر یک ایسن، یک رمان از چریشفسکی «چه باید کرد؟» و «دشمنان» اثری از ماکسیم گورکی و...

● آزادی و سیاست عبدالرحیم طالبوت - بکوشش ایرج افشار انتشارات سحر ۴۴۰ صفحه - ۴۴۰ ریال

طالبوت از مردان تجدد طلب و آزادیخواه بود که مردم را به اصول شرویطیت و آزادی، تشویق و یاری می‌کرد. او جزو معدود کسانی است که افکار جدید را خواه در زمینه آزادی و خواه از لحاظ مباحث علمی به زبان ساده در ایران، نشر داد. او را بحق باید از بنیان‌گذاران نثر جدید برشمرد.

آزادی و سیاست، هم در شناسایی افکار نویسنده و هم در چون و چند شناخت افکار سیاسی و اجتماعی جامعه آن روزگار، موثر می‌آید.

شدت یابی توطئه علیه نیروهای انقلابی و قبل از همه نیروهای مارکسیست - لنینیست. ما این توطئه را که توطئه‌ای است بر علیه مصالح انقلاب محکوم می‌کنیم، و آزادی بی قید و شرط رفقای دستگیر شده، و پس دادن کلیه مهمات و پول این سازمان را خواستاریم.

پیغام امروز  
مدیر مسئول: رضا مرزبان  
زیر نظر شورای نویسندگان  
ناشر: پیغام نو  
نشانی پستی تهران صندوق شماره ۴۱۷۶۶۷  
وحدت در عمل  
مقدم بر وحدت  
در کلمه

## اعلام موجودیت اتحاد ملی مددکاران اجتماعی

توده‌ها و نیازهای اقتصادی آنان و تحلیل موقعیتهای مختلف اقتصادی و سیاسی این توده‌ها و گام برداشتن در جهت رفع نارسایی‌ها و مطرح کردن آن با مقامات مسئول. - عا افتخارگری نسبت به شرایط اجتماعی و اقتصادی و ماهیت اقدامهای ضد خلقی افراد و گروههای مختلف

تشیکیلات: نقش تشکیلات اتحاد ملی مددکاران اجتماعی «بیاموزیم»، «بیاموزانیم» و سازمان دهیم می‌باشد. آموختن و آموزش دادن سازمان دادن جامعه مددکاران در راه رسیدن به آرمانهای سیاسی و اجتماعی خلق ایران می‌باشد.

«سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» توطئه علیه فدائیان خلق را محکوم کرده است. در نوشته این سازمان می‌خوانیم: «در کشوری که امپریالیسم توسط ایادی آشکار و نهان خویش سلطه خود را همچنان حفظ کرده است. در جایی که باندهای مزدور وابسته به ساواک و امپریالیسم (نظیر قیاده موقت) آزادانه منافع خلق را مورد تجاوز قرار میدهند و در حالی که بسیاری از ضدانقلابیون، در حال توطئه بر علیه خلقهای ما

## توضیح سازمان سنجش

شورای موسس «اتحاد ملی مددکاران اجتماعی» با انتشار بیانیهای اعلام موجودیت کرد. این بیانیه که همراه با اسانامه این اتحادیه است، جمعیت خود را چنین تعریف می‌کند: «اتحاد ملی مددکاران اجتماعی تشکیلاتی است صنفی و سیاسی که با شرکت تمام گروههای مددکاری اجتماعی و دانشجویان مددکاری صرفنظر از ایدئولوژی خاص با قبول اهداف تشکیل یافته است.»

در این بیانیه اهداف اتحاد ملی مددکاران اجتماعی چنین بیان شده است:

«سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» توطئه علیه فدائیان خلق را محکوم کرده است. در نوشته این سازمان می‌خوانیم: «در کشوری که امپریالیسم توسط ایادی آشکار و نهان خویش سلطه خود را همچنان حفظ کرده است. در جایی که باندهای مزدور وابسته به ساواک و امپریالیسم (نظیر قیاده موقت) آزادانه منافع خلق را مورد تجاوز قرار میدهند و در حالی که بسیاری از ضدانقلابیون، در حال توطئه بر علیه خلقهای ما

## توطئه بر علیه نیروهای انقلابی شدت گرفته است

«سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» توطئه علیه فدائیان خلق را محکوم کرده است. در نوشته این سازمان می‌خوانیم: «در کشوری که امپریالیسم توسط ایادی آشکار و نهان خویش سلطه خود را همچنان حفظ کرده است. در جایی که باندهای مزدور وابسته به ساواک و امپریالیسم (نظیر قیاده موقت) آزادانه منافع خلق را مورد تجاوز قرار میدهند و در حالی که بسیاری از ضدانقلابیون، در حال توطئه بر علیه خلقهای ما

## پاکسازی مهندسان مشاور

هیئت مدیره جامعه مشاوران ایران با صدور اطلاعیه‌ای از کلیه هموطنان در خواست کرد که در امر پاکسازی جامعه مشاوران با هیئت مدیره این جامعه همکاری نمایند. در این اطلاعیه، هیئت مدیره جامعه مشاوران از کسانی که به نحوی با مهندسان مشاور در تماس بوده و مدارک و اطلاعات مستدلی درباره اشخاص حقیقی یا حقوقی ذیربط دارند، تقاضا کرده است که کلیه مدارک و اطلاعات خود را بصندوق پستی شماره ۲۱۲۹ تهران ارسال دارند.

# تحصن ۸۷ روزه کارگران پاک پرنس پایان یافت



## کارگری

گزارشی از مذاکرات کارگران پیمانکاری با هیات اعزامی شرکت نفت :

# مامیخواهیم رسمی شویم

در اواخر خرداد خبر اعتصاب کارگران پیمانی شرکت نفت را در روزنامه منتشر کردیم . کارگران پیمانی که یکی از محرومترین اقشار طبقه کارگر ایران هستند مجبورند بزرگترین بی حقوقی ها را تحت این بهانه که "رسمی" نیستند تحمل کنند . آنان که از دیرباز شاهد باز بودن دست کارفرمایان در استعمار هرچه شدیدتر و در چپاول بی-شرمانه بوده اند امروز بر حواله حق "رسمی" شدن دست به مبارزه ای یکپارچه زده اند . البته پرواضح است مسئله اصلی و اساس و بنیاد تمام حق کسبی ها و بهره-کشی ها نظام پوسیده سرمایه داری است . لیکن کارگران به سبب آنکه حطبلترین و بیگترین و تحت ستمترین نیروی جامعه اند هیچگاه حاضر نیستند که در برابر انواع بی حقوقی های روزمره سکوت کنند ، آنان در جریان همین نبرد های کوچک برای اضافه دستمزد برای بیمه شدن برای رسمی شدن خود را آماده نبردی بزرگ می کنند . نبرد برای ریشه کن کردن جامعه طبقاتی و اساس استعمار و بهره-کشی ، نبرد برای پیروزی رساندن جنبش ضد امپریالیستی و نبرد برای آزادی .

از متحدین خلق که یک گروه مبارز کارگری در جنوب است گزارشی از مذاکرات کارگران پیمانکاری با هیات اعزامی شرکت نفت بدست ما رسیده است . ما خلاصه این گزارش را چاپ می کنیم و آماده انتشار گزارشات تحقیقی ، و همچنین نظرات دیگر در این زمینه هستیم :

"چند روزی است که از اعتصاب کارگران پیمانی شرکت نفت با خواست برحق رسمی شدن می-گذرد . این کارگرانی که با دستمزد ناچیز در این گرانی سرگیجه آور زندگی را به سختی می گذرانند . خواست این کارگران ستم-کشیده "رسمی" شدن و زیسر پوشش شرکت نفت قرار گرفتن است و تقاضا دارند که دست پیمانکار از تجاوز به دستمزد قلیل آنها کوتاه شود . و با مراجعه به قانون کار ارتجاعی رژیم سرنکون شده قبل باین واقعت پی می بریم که هرگاه کارگردانی مدتی در یک کارگاه و یا برای کارخانه کار می کنند بایستی بوسیله آن کارگاه یا کارخانه رسمی شده وزیر پوشش آن قرار گیرند . گرچه این قانون در گذشته بوسیله رژیم قبلی با وحشیگری سرکوب می شد ولی اکنون کارگران با توجه به شرایط متحول و نوین امروز خواستار بهره مندی از این حق قانونی خود می باشند و بدین لحاظ پاسخ به این خواست قانونی وظیفه دولت کنونی است . حال

حقتان را بدهید تا بیرونشان کنیم ."

بعد از آن دوبار دیگر به دفتر امام در قم مراجعه کردیم و آقای محمد یزدی و آقای رسولی مسئولین دفتر امام صحبت کردیم و توصیه نامه هایی گرفتیم ولی نتیجه ای حاصل نشد باحجت - الاسلام حاج احمد خمینی فرزند امام خمینی به گفتگو نشستیم . ایشان گفتند : "ما بیشتر از آنکه نامه ای بدهیم کاری نمی توانیم بکنیم . ما قدرت اجرائی نداریم . خودتان بروید و حقتان را بگیرید ."

اما نه ، یک نتیجه داشت و آن اینکه ما عمیقاً فهمیدیم تنها خود ما هستیم که باید برای گرفتن حق خود و اجرای عدالت اقدام کنیم و هیچکس از مقامات رسمی دولت بدرد دلما نمی رسد . ما فهمیدیم که مراجع قانونی برای کمک بما قادر نیستند کاری انجام دهند و برای اجرای حکمی که بنفع ما باشد قدرت اجرائی ندارند . بنفع ما بعد از هزاران کشمکش از روی ناچاری رای میدهند ولی این رای از مرز گفتن و نوشتن پیشتر نمی رود . حال ما از تمام ملت استمداد می طلبیم ، شما بگویید ما چه کنیم . آیا پس از اینهمه فعالیت باز هم کسی هست که به ما وصله اخلاقی ، توطئه گر ، ضد انقلابی ، غاصب و امثالهم ببندد ؟ اگر کسی باشد بدون شک از عوامل و جیره خواران ملک زاده سرمایه دار بی شرف درباری می باشد .

ما می خواهیم خودمان حکم وزارت کار ، کمیته انقلاب ، دادستانی کل جمهوری اسلامی و حکم مراجع تقلید را اجرا نمائیم و حقتان را از صاحبان شرکت که میلیاردها تومان ثروت این مملکت را از راه غارت و چپاول مردم و مکیدن خون ما کارگران جمع کرده است بگیریم . ما می خواهیم اهل خانه خود را به اینجا بیاوریم و در آپارتمان هایی که خود ساخته ایم بنشینیم مگر این انقلاب را ما نکردیم ؟ مگر این آپارتمانها را ما ساختیم ؟ مگر حق ما را این شرکت نخورده و مگر همه رای به براءت مسا ندادند ؟"

کارگران رونوشت این نامه را به انضمام مدارک لازم که بیانگر تأیید مطالب نامه و خواستههایشان بوده به روزنامه پیغام امروز فرستادند . رونوشت این نامه به آئینندگان اطلاعات ، بامداد ، جمهوری اسلامی و کیهان نیز ارسال شده است .

کارگران کارخانه صنعت چوب شمال "نویان محمدی" ۲۷ خواست کوتاه مدت خود را طی اعلامیه ای انتشار داده اند . این کارگران خواستارند که : ۱- حقوق کارگران در اوقات بیکاری تحمیلی یعنی وقتی که کارفرما کارخانه را تعطیل می کند باید پرداخت گردد . ۲- بازگرداندن کارگران اخراجی ، هیچ کارگری نباید از طرف کارفرما اخراج شود . ۳- تأمین حق مسکن ، حق

انقلابی گرفته تا هتک ناموس و فساد اخلاق و آدم ربائی و زدنی بما ببندند . ولی تنها پایداری و استقامت ما تمام این توطئه ها را نقش بر آب کرد و با اینکه انواع و اقسام پرونده های گوناگون برای ما ساخته شد ولی هیچکدام کارگر نیفتاد . بارها از کمیته های مختلف برای بیرون انداختن ما به محل تحصن حمله کردند و حتی یکبار کمیته ونک و گشتی های مسجد شفا بروی ما آتش گشودند و شرایطی را ایجاد کردند که باعث شد سه نفر از کارگران غش کردند و از هوش رفتند . ما که شدیداً از این عمل خشمگین شده بودیم اسلحه چند تن از آنان را که می خواستند ما را پراکنده کنند از دستشان گرفتیم و فریاد زدیم : مگر ما این اسلحه ها را بشما ندادیم حالا شما بجای آنکه از ما دفاع کنید ، بروی ما اسلحه می کشید ، ما قادریم اگر لازم باشد این اسلحه ها را از شما پس بگیریم و سپس مسلسل هایشان را پس دادیم .

ما تحصن را زمانی آغاز کردیم که ماهها بود از کار اخراج شده بودیم و هرچه داشتیم و نداشتیم خورده بودیم و کلی هم قرض بالا آورده بودیم . زن و بچه هایمان مدتهاست که بی خرجی مانده اند و گرایه اطافان ما- هاست که عقب افتاده است بعضی از ما حتی بیشتر از ۱۴ ماه است که بیکاریم . البته اشتباه نشود ما گدا نیستیم . دست نظلم پسوی کسی دراز نکرده و نخواهیم کرد . ما تنها حقتان را می خواهیم . اگر این حق ما یک قران است همان یک قران را بدهند و اگر صد هزار تومان است همان صد هزار تومان را بدهند نه یک قران کمتر و نه یک قران بیشتر . ما برای گرفتن حق خود به هر کجا که شما فکرش را بکنید ، رفته ایم ، بارها و بارها به وزارت کار و نخست وزیر شکایتنامه های جورا جور نوشته ایم ولی همگی بی نتیجه بوده اند . یکبار با زحمات بسیار به پیش امام خمینی رفتم و از او کمک خواستیم امام دستور داد تا نامه ای برای فروهر نوشته شود تا به کار مار رسیدگی کنند نامه را بدست شخص آقای فروهر دادیم . ایشان پس از چند روز کمیسیونی را مامور رسیدگی کرد کمیسیون پس از چندین روز مطالعه و گفتگو حق را به جانب ما داد و حکم کرد که شرکت پارک پرنس باید خواسته های کارگران اخراجی را برآورده نماید ولی مدتها گذشت و از اجرای حکم خبری نشد .

ملک زاده پارتی اش کلفت بود و گفته بود نمی دهم . آخر الامر آقای ترجانی مسئول رسیدگی به پرونده ما در وزارت کار گفت : "همین صورت جلسه ای که نوشته ام باید بدهند . اگر نمی دهند من دیگر از دستم کاری ساخته نیست بروید خودتان حقتان را بگیرید . " آقای حاج لطفی رئیس کمیته انقلاب مستقر در وزارت کار نیز که با ما در این جریان برخورد های بسیاری داشت و گفته بود من از شما شرمندم که نتوانستم حقتان را بگیرم بروید و توی ساختمانها بنشینید . و اگر بمن گفتند بیرونشان کن میگویم اول

کارگران کارخانه صنعت چوب شمال "نویان محمدی" ۲۷ خواست کوتاه مدت خود را طی اعلامیه ای انتشار داده اند . این کارگران خواستارند که : ۱- حقوق کارگران در اوقات بیکاری تحمیلی یعنی وقتی که کارفرما کارخانه را تعطیل می کند باید پرداخت گردد . ۲- بازگرداندن کارگران اخراجی ، هیچ کارگری نباید از طرف کارفرما اخراج شود . ۳- تأمین حق مسکن ، حق

کارگران پرنس بعد از ۸۷ روز تحصن موفق به بازگرفتن بخشی از حقوق خود گشتند . این عده که بار خورد فعالیت های ساختمان بدون اخذ مزایای قانونی خود اخراج شده بودند . خواستار بازگشت به سرکار و اخذ حقوق و مزایای خود بودند ، دست به تحصن زدند .

طی تحصن فشارهای زیادی از طرف عوامل کارفرما برای درهم شکستن اراده کارگران صورت گرفت . اما کارگران با اتحاد و پیوستگی مانع تحقق خواست کارفرما شدند . بالاخره در جلسه روز شنبه ۹ تیر با حضور نماینده کارگران نماینده وزارت کار ، مقام کار شرکت کارفرما و نماینده دادستانی کل انقلاب توافق شدیدی شرکت به کارگران پرداخت گردد و کارگران محل تحصن خود یعنی شرکت را تخلیه سازند .

کارگران قبل از توافق با کارفرما نامه ای منتشر کرده و در آن مراحل مختلف مبارزه شان را به این شرح به گوش مردم رسانده بودند :

**نامه سرگشاده کارگران پارک پرنس به ملت :**  
ما کارگران اخراجی شرکت پارک پرنس در ۱۶ فروردین ۵۸ در محل آپارتمانهای این شرکت که خود ساخته ایم متحصن شده ایم . ولی پس از ۷۶ روز تحصن و دوندگی بسیار هنوز نتوانسته ایم به خواست های حق خود که فقط و فقط دریافت حقوق ، مزایا و اضافه کاری پرداخت نشده خود از کارفرما می باشد نائل آئیم . ما در ضمن این ۷۶ روز به کلیه مراجع قانونی و کمیته های انقلاب ، محلی و منطقه ای و مرکزی و کمیته وزارت کار گرفته تا کلیه کار-شناسان ، مدیران ، معاونین وزارت کار و حتی شخص وزیر کار آقای داریوش فروهر و تا دادگستری شمیران و تهران و دادستانی کل جمهوری اسلامی و نخست وزیر و بالاخره تا کلیه آیات عظام از حجت الاسلام محتمس تا فرزند امام خمینی تا آیت الله شریعتمداری و حتی از خود امام خمینی استمداد طلبیدیم و نمایندگان خود را با هزاران سختی و مرارت به حضور آنان فرستادیم . ولی با وجود آنکه همه این مراجع پس از مطالعه مسئله حق را بچنان می دادند اما عملاً هیچ کاری برای ما نکردند جز حواله دادن مابه این و آن وعده و وعید که امروز بروید و فردا بیاید ، فردا بروید و پس فردا بیاید .

ملک زاده صاحب شرکت از سرمایه داران بی ناموس درباری است که با خوردن مال مردم ثروت هنگفتی برهم زده است و او و عواملش شهرام ملک زاده (پسر ملک زاده) علی پور ملک (مدیر عامل شرکت) ، منشیان و سایر عوامل ریز و درشتش و همچنین پیمانکار شرکت بر اتملی فرماتی که از به شیشه کردن خون ما کارگران ثروتی برهم زده است بارها و بارها سعی کردند با توطئه های گوناگون ، وصله های رفنک وارنک از خرابکار و ضد

آزادیهای سیاسی واجتماعی ، تجزیه پذیر نیست

آزادیهای سیاسی واجتماعی ، تجزیه پذیر نیست

آزادیهای سیاسی واجتماعی ، تجزیه پذیر نیست

آزادیهای سیاسی واجتماعی ، تجزیه پذیر نیست

آزادیهای سیاسی واجتماعی ، تجزیه پذیر نیست

کارگرانی که می گویند ما می خواهیم رسمی شویم تعاونی نمی تواند برای ما کار کند . و بی ربط بودن این پیشنهاد را نشان می دهد . کارگران می گویند ما برای حل مشکلات شما اینجاست آمده ایم و شما از تبعیض نژادی در محل کار ناراض هستید و مسئله اضافه دستمزد سایر مزایای رفاهی دیگر مطرح می کنید . کارگری می گوید شدن ما کارگران شامل هیچکدام از این موضوع ها نیست ؟



## به احترام آیت الله طالقانی کارکنان خدمات اجتماعی اعتصاب غذای خود را شکستند

۱۶ تن از کارکنان متحصن سازمان ملی خدمات اجتماعی که روز شنبه دوم تیرماه، دست به اعتصاب غذای خشک زده بودند، دیروز در حضور ۲۰ تن از نمایندگان آیت الله طالقانی و بنا به درخواست ایشان، اعتصاب غذای خود را برای مدت محدود شکستند. علی کهنوبی یکی از اعتصاب کنندگان، با وجود شکستن اعتصاب به علت ضعف جسمانی و خونریزی معده، همچنان در بیمارستان خواهد ماند. متحصنین که دیروز عدشان به ۷۴۵ نفر رسیده بود طی پیامی اعلام کردند: نظر به احترام خاصی که به مجاهد کبیر آیت الله طالقانی داریم، بنا به دعوت ایشان از این تاریخ اعتصاب غذای خود را تا روز شنبه قطع نموده و از دولت انقلابی تقاضای رسیدگی هر چه زودتر و سریعتر داریم.

## خبرنگار لوس آنجلس تایمز از ایران اخراج شد

رادیو لندن - دیشب دولت ایران دیوید لند، خبرنگار لوس آنجلس تایمز را از ایران اخراج کرد.

متمناً روزنامه لس آنجلس تایمز از تعیین جانشینی برای لند منع شده است.

اتهام لند اینست که نسبت به انقلاب اسلامی دید منفی دارد و گزارشهای مفرضانه می نویسد. همچنین گفته می شود که وزارت ارشاد ملی به غیرنگاران خارجی اخطار کرده است که باید برای تهیه غیر از مترجمان وزارت ارشاد ملی استفاده کنند.

## بودجه ۱۴۴۰ میلیارد ریالی سال ۸۵ بررسی شد

بودجه ۱۴۴۰ میلیارد ریالی سال ۵۸ در جلسه ۵ ساعته هیات دولت مورد بررسی قرار گرفت. هشتصد و هشتاد میلیارد ریال از این بودجه به مصرف طرحهای عمرانی خواهد رسید. ۶۰ میلیارد ریال به طرحهای خاص ناحیه ای اختصاص می یابد.

در بودجه امسال ۳۳ میلیارد ریال، کسری درآمدها نسبت به هزینه ها دیده می شود.

درآمد نفت در این بودجه ۱۴۷۲ میلیارد ریال پیش بینی شده که اندکی از درآمد سال گذشته کمتر است. در این بودجه ۸۰ میلیارد برای مابه التفاوت قیمت مایحتاج عمومی، ۳۰ میلیارد برای توسعه کارخانه ها، ۲۰ میلیارد جهت توسعه صنایع، ۲۰ میلیارد جهت صنایع پتروشیمی، ۲۰ میلیارد برای امور گازرسانی و ۳۰ میلیارد ریال دیگر نیز بمنظور انجام طرحهای مختلف صنعتی اختصاص یافته است.

## وزیر ارشاد ملی بقیه از صفحه ۱

بود که فعلا قانون مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ متوقف بماند تا پس از تصویب لایحه جدید مطبوعات موازینی که مورد رضایت اکثریت جراید است، به مورد اجرا گذارده شود. ناگفته نماند ما به خاطر حفظ آزادی و رعایت اصول دموکراسی واقعی تاکنون همان گونه که مطبوعات نیز اذعان دارند هیچ نوع دخالتی در امر مطبوعات نکرده ایم.

## هیات دولت به قم رفت

رادیو لندن در اخبار شب گذشته خود گفت مهندس بازرگان و قریباً همه اعضای کابینه ایران جهت مذاکره با آیت الله خمینی عازم قم شده اند.

مهندس بازرگان اینک می گوید که قدرت دولت موقت انقلابی را مسجل سازد.

همزمان با این مذاکرات - دس و گمان های فراوانی در افواه شایع است که چنانچه بازرگان در مورد کسب اختیارات اجرایی و امتیازاتی موفق نشود استعفا خواهد کرد.

## ۲۵۰۰ کارگر در رشت اعتصاب کردند

۲۵۰۰ نفر از کارگران پوشش رشت پس از چنده ماه پیگیری روی خواسته های خود به علت بی نتیجه ماندن مذاکراتشان از ۵۸/۴/۹ دست به اعتصاب زدند و کلیه قسمتها تعطیل است.

شورا در حال مذاکره با سرپرست جدید است و سه نفر از نمایندگان قبلی را به علت داشتن عملکردهای منفی از کارخانه اخراج کرده است.

کارگران با انتشار قطعنامه ۷ ماده ای خواسته های خود را مطرح کردند برسمیت شناختن ۴۰ ساعت کار در هفته یکی از خواسته های کارگران است.

## طباطبایی معاون نخست وزیر شد

دکتر صادق طباطبایی، معاون سیاسی وزارت کشور به عنوان معاون نخست وزیر در امور انتقال برگزیده شد. این وظیفه را قبلاً هاشم صیافیان، وزیر کشور، به عهده داشت. طباطبایی، همچنین وظیفه سخنگوی دولت را نیز انجام خواهد داد. طباطبایی احتمالاً کار خود را از فردا آغاز می کند.

## جلسه سندیکای هنرمندان

سندیکای هنرمندان هنرهای تجسمی و کاربردی روز شنبه ساعت ۵ بعد از ظهر در دانشکده هنرهای تربیتی، دفتر نشریه هنر و اندیشه جلسه دارد.

## واشنگتن برای دخالت در امور ایران طرح ریزی میکند

ادامه دهیم، البته ناگزیریم تصریح کنیم که به دلایل کاملاً متقن ما به دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی موجود اعتماد چندانی نداریم والا هیچ زحمت مضاعفی را که ملو از خطرات مختلف است نیز تحمل نمیشدیم.

و اما در رابطه با مراجعین شوروی، ما خود و بدون اینکه هیچگونه تمایلی یا پیشنهادی از جانب آنها ابراز شده باشد برادرمان سعادت را مشغول کردیم که با آنها ارتباط برقرار کند. هدفهای این ارتباط مشخصاً عبارت بودند از:

۱- کسب اطلاعات در مورد فعالیت ها و شبکه ها و مامورین سیا در ایران.  
۲- تصریح موازین ملی و اسلامی میهن و انقلاب. یعنی همان خصایص ویژه که به اعتقاد ما در گذشته شوروی چنانکه باید به آن توجه نکرده و اکنون می بایست صداقت و حسن نیت خود را در رابطه با انقلاب آزادی بخش ضد استعماری میهن ما به اثبات برساند.

اینجاست که خطاب به آقای هادی دادستان کل انقلاب باید بگوئیم: شما که اینچنین بی پروا در مصاحبه رادیویی خود به سعادت عنوان جاسوسی دادید براسستی از حق و عدل و انصاف و اسلام پیروی می کنید؟

لکن برای ما همین کفایت میکند که حضرت آیت الله طالقانی پس از اشراف بر جزئیات جریان چه خطاب به دو تن از نمایندگان شورای انقلاب (که از دوام پیش همه جزئیات توطئه را در اختیار آنها گذاشته بودیم)، در حضور خود ما و چه خطاب به نمایندگان سازمان فرمودند: «جریان سعادت اصلاً جاسوسی نیست، بلکه بچه ها عجله کاری کرده اند...»

همچنین ایشان به طعنه افزودند: «نمیدانم چرا سالهای سال است که در این کشور همیشه جاسوسی روس می گیرند و یکبار نشنیدیم که جاسوس آمریکائی بگیرند!!»

متذکر میگردیم که حضرت آیت الله طالقانی بر توضیحات نمایندگان مجاهدین در قبال نمایندگان شورای انقلاب سمت نظارت داشتند.

بگوئید تا چاپ کنیم. لذا در نتیجه اصرار او از وی خواسته شد مطلب زیر در آن روزنامه درج شود:

متحصنین در مقابل سئوالات من پاسخ دادند «چون روزنامه انقلاب اسلامی با گزارشات قبلی نشان داده است در درج مطالب مربوط به مجاهد اسیر سید محمد رضا سعادت بی طرف و بی غرض نیست و عملاً با توطئه گران همراهی میکند و مزورانه اخبار را در جهت منافع دسیسه چنان قلب مینماید حاضر به پاسخگویی به سئوالات شما نیستیم و بسیار متأسفیم که بی خبر از این موضعگیری مزورانه، چند روز پیش با خبرنگار آن روزنامه به مصاحبه نشستیم.

شما از درج اخبار مربوط به سعادت هدفی جز پر فروش تر کردن روزنامه تان و انحراف فکر خوانندگان نا آگاه ندارید لذا اجازه ندارید تحت هیچ عنوان خبری جز این معلوم در مورد

آیت الله طالقانی: جریان سعادت اصلاً جاسوسی نیست. سازمان مجاهدین خلق درباره رخنه عناصر مرتبط با ساواک در متن برخی از حساسترین نهاد های کشور، نظیر پاسداران انقلاب اسلامی، هشدار داد. در گزارش این سازمان آمده است:

سازمان ما بدنبال حرکت ناو هوایماپر کانسلیشن به سمت آبهای ایران و همچنین بدنبال تحریکات و کشتار های ایادی ساواک و سیا که ردهای آنها در حوادث گنبد و خوزستان نیز به روشنی آشکار بود، تحقیقات مینمود. منجمله گزارش های دریافت کردیم که کاخ سفید واشنگتن در حال طرح ریزی برای دخالت در امور ایران از طریق سوءاستفاده از تصبیات مذهبی مردم در جهت ایجاد تفرقه و نفاق است. خطرناکتر از همه طرح بالکانیزه کردن و تجزیه جنوب ایران است که محافل امپریالیستی بسیار مشتاق آن بوده و بر حسب برخی گزارشات حتی وارن کریستوفر یکی از معاونین وزارت خارجه آمریکا را راهی خوزستان کرده اند.

همچنین ما شاهد رخنه عناصر مرتبط با ساواک در متن برخی از حساسترین نهاد های کشور نظیر پاسداران انقلاب اسلامی بودیم. در ارتباط با همین ها کشف برخی طرحها و عملیات پیچیده سیادر ایران و فعالیت مودیان - صبیونیستها و سازمان جاسوسی - شان ما را بر آن داشت که برای ممانعت از هرگونه جنگ داخلی و صلیبی و تکرار توطئه هائوسی نظیر آنچه سیا در ۲۸ مرداد ۳۲ مرتکب شد، ضرورت کشف شبکه های سیا و ساواک را در حد توان خود جدی تر بگیریم.

لازم تذکر است که مابریخی از اطلاعات خود را بدون ذکر منابع و مأخذ آنها با تنی چند از عالی مقام ترین مراجع و همچنین مسئولین مللکتی در میان گذاشته بودیم. همچنان که نوشته برادر اسیرمان نیز بصراحت به ضرورت در جریان گذاشتن «آقا دولت» اشاره دارد: بی تردید ما سرانجام نه می خواستیم و نه میخواهیم که جدا از هرگونه اطلاع مقامات قابل اعتماد ملی و دولتی بکار خود

هدسدار به روزنامه انقلاب اسلامی ناهید جلالزاده، همسر سعادت از طرف خانواده های شهیدا و زندانیان سیاسی سابق مجاهدین خلق، دیروز در دادگستری متن زیر را خطاب به روزنامه انقلاب اسلامی قرائت کرد:

در تاریخ ۵۸۳۲۹ خبرنگار آن روزنامه به منظور مصاحبه با متحصنین به محل تصن خانواده های شهیدا و زندانیان سیاسی سابق سازمان مجاهدین خلق ایران آمده بود. به وی گفته شد چون روزنامه انقلاب اسلامی در درج اخبار و گزارشات مربوط به مجاهد اسیر سید محمد رضا سعادت صادق نیست و وجدان مطبوعاتی خود را به بهائی ناچیز فروخته است و گردانندگان این روزنامه با توطئه گران همراهی همگامی میکنند لذا حاضر به پاسخگویی به سئوالات شما نیستیم.

مخبر گفت اینها هر چه میخواهید

## ۴ مین در محل دانشجویان مبارز و پیشکام ارومیه کشف شد

ارومیه - روز چهارشنبه خدمتگزار ساختمان اتاقهای دانشجویان مبارز و پیشکام، در راهرو ساختمان با یک مین قوطی شکل روبرو شد. و چون این نوع مواد منفجره را نمی شناخت، آنرا به بیرون ساختمان انداخت که خوشبختانه منفجر نشد.

با آمدن دانشجویان و مشاهده مین، کاوش برای یافتن مین های دیگری که احتمالاً در ساختمان باشد، شروع شد. در این جستجو ۳ مین دیگر در انبار ساختمان پیدا شد. بدنبال پیدا شدن مین ها، دانشجویان با ارتش تماس گرفتند. ماموران ارتش که با ۲ ساعت تاخیر به محل رسیدند، اظهار داشتند که مین ها از نوع ضد نفر اسرائیلی است که در ارتش نیز موجود می باشد.

در رابطه با این موضوع، دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر ضمن انتشار بیانیه ای اعلام کردند: اینگونه اعمال غیر انسانی در شرایط حساس فعلی کشور به غیر از ایجاد نفاق در بین نیروهای مترقی ضد امپریالیست کسب متخدا در راه قطع ایادی امپریالیستها و غارتگران از منابع ملی کشورمان و در راه ترقی و پیشرفت خلق این می کوشند، است.

دانشجویان ضمن محکوم کردن اینگونه اعمال ضد انقلابی و نفاق افکنانه، خواستار افشای ماهیت این جریان که از طرف عناصر معلوم الحال ترتیب داده شده بود، و تحت تعقیب قرار گرفتن مسببین این حادثه هستند.

## دومبارز کرد

بقیه از صفحه ۱

می گفت: من از یک مقام اجازه کشتن شما را هم گرفتم و اگر زیاد حرف بزنید، شما را میکشم و می گویم ضد انقلاب بوده اید. دیگر بازجویا پارچه ای به صورت داشتند که فقط چشم هایشان معلوم بود.

از حرف های آنها در مقابل خواست های ما اینطور معلوم بود که هیچ ابائی از دولت نداشتند و بی دردی میگفتند شما چپ هستید. باید همه چیز را بگوئید ما برای اسلام خدمت می کنیم.

طیب عباسی روح الهی که چهار سال در زندان ساواک بوده است و ده ماه پیش آزاد شده است، گفت:

در همه مدت بازجویی مرتب از من می پرسیدند به چه علت تو آن موقع دستگیر شده بودی، تو چپ بودی، کسانی که در زندان آنموقع با تو بودند، کدامشان چپ هستند و الان در کجا هستند.

طیب گفت: ما را پس از چهار روز شکنجه به جای دیگری که احتمالاً در لویراه بود بردند. البته در آنجا از شکنجه خبری نبود و رفتار بازجویا بهتر بود.

متحصنین درج نمائید... اینک یار دیگر به آن روزنامه یادآوری میکنیم درج هرگونه خبری رایج به متحصنین چون بی اجازه ایشان صورت میگیرد خلاف وجدان مطبوعاتی و خلاف قانون و قابل تعقیب است.

## نامه به وزیر دادگستری سه چریک فدایی خلق را آزاد کنید

خانواده سه چریک فدایی دستگیر شده در مجیدیه طس نامه ای به وزیر دادگستری خواستار آزادی آنها شدند. متن این نامه که رونوشت آن برای دادستان انقلاب اسلامی کانون وکلا، جمعیت حقوقدانان و جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر فرستاده شده، چنین است:

جناب آقای صدر حاج سید جوادی وزیر دادگستری بطوریکه اطلاع دارید، روز چهارشنبه ۵۸۳۳۰ سه تن از فرزندان ما به اسامی کیانوش توکلی، سوسن نصیری و مسلی باقری را به همراه مقادیری اسلحه متعلق به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در منطقه مجیدیه تهران بازداشت و به نقطه نامعلوم برده اند. مراجعات مکرر ما جهت روشن شدن محل بازداشت آنها تاکنون بی نتیجه مانده است.

جای تأسف است که پس از قیام شکوه مند مردم، فرزندان دلیر که سالها با رژیم وابسته شاه مزدور جنگیده اند، امروز به وسیله عناصری که ماهیت آنها هنوز کاملاً روشن نیست، بازداشت و به نقاط نامعلوم برده شوند. باتوجه به اینکه سلاحهای مذکور متعلق به سازمانی است که سالها علیه رژیم مغزور پهلوی جنگیده و شهدای بسیار در این راه داده است.

بدین وسیله خواستار رسیدگی هر چه سریعتر و آزادی فرزندانمان که گناهی بجز مبارزه با رژیم گذشته ندارند، هستیم. با احترام خانواده های بازداشت شدگان

در آنجا بغبییر از ما سدفنر از کارکنان شرکت نفت که گو به آنها راهم بسی دلیل بازداشت کرده اند، بودند و علاوه تعدادی از ساواکی ها و عمال رژیم سابق زندانی بودند.

عبدالله بایان هم گفت: من به تمام مراجع قضائی و شورای انقلاب و دولت دادخواهی میکنم و از آنان میخواهم که این شاخه و زمین به حقوق مردم و دستاوردهای انقلاب را به مجازات برسانند و نگذارند آبروی انقلاب و آبروی اسلام بر باد رود.

خلق های ایران هفتاد هزار شهید دادند تا آزادی در تمام جنبه ها بدست آید. مردم بارها در شمارهای خود آزادی مطبوعات، عقاید و بیان و آزادی زندانیان سیاسی و انحلال ساواک را خواستار شده بودند. وای اینک بنظر من تفتیش عقاید وجود دارد و یک شعبه ساواک دوباره شروع بکار کرده است.

من به تمام خلق های مبارز هشدار میدهم که هر طوری که میخواهند دشمن را که از در بیرون رفته، نگذارند از پنجره داخل شود. دومبارز کرد که عضو سازمان

انقلابی زحمتکش کردستان و جمعیت آزادی و رهائی کردستان هستند گفتند که همراه با کارکنان شرکت نفت ۸ روز اعتصاب غذا داشتند. و در تمام مدت اعتصاب کسی سراغی از ما نگرفت و حتی نامه ما را به دادستان تحویل نگرفتند.

## چاپ کتبه